

اجتبا قطعياً نباید هیچ ضربی داخل شوند و در امور سیاسته داخله نمایند
«حضرت عبدالبهاء»

سال ۲۹

شماره ۳۲۹

آذروردی ۱۳۵۳

۱۹ شهر القدره الی ۲ شهر السلطان ۱۳۱ بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

فهرست مطالب آهنگ بدیع شماره ۳۲۹

صفحه

- ۱- لوح مبارک حضرت بهاء الله ۲
- ۲- پیام منبع بیت العدل اعظم الهی ۳
- ۳- ادای حقوق الله ایادی عزیز امرالله جناب دکتر علی محمدورقا ۷
- ۴- تربیت بهائی اطفال ۱- خ ، ۱۱
- ۵- نیروی عظیم امرتبلیغ در ریافت بهائی دکتر علی محمد برافرخته ۱۵
- ۶- راههای دست یابی به آزادی درونی ترجمه فوج دوستدار ۱۹
- ۷- یار زرخ پرده بوگرفت شعرازا احمد نیکونژاد (فاضل) ۲۱
- ۸- مبلغ صامت نقل از بهائی نیوز امریکا ۳۰
- ۹- نشرین رضوی ... ۴۳
- ۱۰- قسمت جوانان و نوجوانان ۴۵



هو مشرق حشر افس البقاء

جنه عتبت کمر بر وجه تو بجه منو بر قلب را مقبر یافت مسخر منو خدش
 فومو قلب عرش است از بلبر استوار حسب الامر سبحان الله منسبت
 گاه شکل نور ظاهر و منکاهی بهیت نار با هم و مناطق از کزه خاک
 الی فداک ملک اوست نهی شرب تر عالم دو صدر مم طوبی از برای
 نفس که عرفش رایافت و بگوهرت شتافت قلم اعلی شہادت میدہ
 بر اینکہ تو قبال منور از بیت خالصا لوجه الله قصد بیت الله الاعظم کوی
 زحمت سفر احمد منو بر عجبم و بر راطر کور تا آنکہ درو شد بر در عین اعظم
 و سمعت ندائہ الاعلی و رأیت افقہ الاعلی قدر لکت الحمد یا مالک ملکوت السما
 و الذکور فرافندہ الاولی بما تیتنر کور جنک و جہتت فرافندہ البقا تک
 الذمات فرحسترہ اکثر عباک اشدہ انک انت ارحم الراحمین و اکرم
 الاکرمین لا اله الا انت الغفور الکریم .

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
BAHÁ'Í WORLD CENTRE
HAIFA, ISRAEL

CABLE ADDRESS
BAHAIFAITH, Haifa

۹ شهرالشرف ۱۳۱

۸ ژانویه ۱۹۷۵

احباء عزیز با وفا در ارض طـ... ملاحظه فرمایند

ای مقیمان کوی جانان، طهران موطن مبارک جمال کبریاست و مشرق صبح
هدایت کبری • افق نور مبین است و مطلع فرج عالمین • از ظلمات سجن اکبرش
چشمه آب زندگانی بر عالم انسانی جاری گشت و از قعر سیاه چالش یوسف طلعت
سبحانی بر مسند سلطنت جاودانی نشست • کوه پر شکوهش از صدای لَبیک سرگشتگان
ندای الست رنآن و پرتین شد و دامن دشت و صحرایش از خون شهیدان کوی
عشق ریآن و رنگین گردید و در آن شهر یفرموده مولای نازنین :

" جنین امر بمقام احسن التقویم رسید و هلمله فتبارک الله

احسن الخالقین و احسن المبدعین در اعلیٰ غرفات جنت علیا

مر تفع گشت "

پس ای احبای الهی شما که مقیم آن درگاهید باید از قدر و بهای این نسبت مبارک
آگاه باشید و بدانید که نفس این منقبت و قدمت و سابقیت جمع اهل بها در ارض طا
مقتض و مستلزم وفاست باید بچنان قیامی فائز شوید که لایق شما و موافق با توقّع
اهل بها در سراسر دنیا باشد یقین است که جامعه یاران در طهران که از اعظم و
اقدام مراکز بهائی عالمند خود واقف و عالمند که از حیث تعداد و استعداد بر جمیع
بلاد مقدّمند و بالقوه مقتدر و توانا بر آنکه عالمی را ببرکت اسم اعظم بحرکت آرند و به
تنهائی اغلب اهداف و مقاصد مشروعات و مجهودات منظم یاران را در شرق و غرب متحقق

سازند. حیف است که آن همه طاقت و استعداد برباد رود و یا عاقل و باطل ماند •
 عالم تشنه تعالیم الهیه است چشمه زلال هدایت را در یک محل سد بستن و از جریان
 و سریان باز داشتن خلاف عدل و انصاف است و قحط زدگان مائده آسمانی در هر دیار
 در حال احتضارند رزق معنوی را بار بار بیک انبار نهادن شرط مروت و وفا نیست مشک
 و عنبر چون بهر بوم و بر منتشر گردد دماغ پرور شود و گل را معطر سازد اما اگر در یک
 محل مکرر آید درد سر آرد •

پس اولین وظیفه ای که اجرائش باید وجهه همت یاران طهران باشد آنکه قیام فرمایند
 و به تاء سیس و تحکیم اساس امرالله در مدن و قراءه بل ممالک و بلاد سائره پردازند •
 روزگاری بود که جمع یاران در هر گوشه ای از کشور مقدس ایران شور و نشوری داشتند
 و چون باستقامت فائز و به محبت و دوستی و صداقت و امانت و درستی در بین خلق محشور
 بودند متدرجا حرمت و اعتبارشان در پیش نفوس از وضع و شریف زیاد تر میگردد و اگر
 بر این منوال چندی دیگر میگذشت چه بسا جمهر خلائق نیز که بر اثر تلقینات کاذبه
 نفوس غیر مخلصه گاه تحریک میشدند و به آزار یاران میپرداختند چشمشان باز و دلشان
 نرم میشد و دیگر دستخوش دسائس مغرضین نمیگردیدند و مزاحمتی نمی نمودند اما افسوس
 که بسیاری از اعزه احباب از ولایات و ایالات به طهران کوچیدند و سنگر را خالی نمودند
 نتیجه آن شد که تحلیل بنیه مادی و معنوی اهل بها در نقاط سائره مشکلات جدیده
 ایجاد نمود و بر جسارت دشمنان بیفزود و از سرعت ترقی امرالله و انتشار کلمه الله بکاست
 لهذا مولای عزیز بی همتا انذار فرمود که :

" هجرت به طهران و سکونت در آن مدینه مضر بمصالح امریه و مخالف

رضای الهی در این ایام است "

بیان جمالقدم در کلمات مکتوبه است که میفرماید :

" ای دوستان رضای خود را بر رضای من اختیار کنید و آنچه برای

شما نخواهم هرگز خواهید "

دیگر تکلیف معلوم است و طریق وفا مشهود و هر بهانه ای مردود • میبادا که اشتغال
 بامور نالایقه و تعلقات بشئون ثانویه ما را از کسب سعادت ابدیه محروم دارد و سلب

تائید نماید • در جائیکه رضای الهی نباشد آسایش جان مفقود است و آرایش و جسدان معدوم محال است کسی احساس سرور نماید و قلبش راحت گیرد زیرا آنچه متعلق بایمن جهان فانی است موجب زحمت و مشقت است و عاقبت حسرت اندر حسرت مگر آنکه تحصیل وسائل و وسائط مادیه مفتاح باب عبودیت شود و مشکل گشای ما در سبیل خدمت بامر حضرت احدیت گردد و این نعمت حاصل نگردد مگر با انقطاع و قناعت بشهادت قلم اعلیٰ :

" مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیئی ظاهر و مشهود گردد اوست انقطاع و مید* و منتهای آن "

و بفرموده حضرت عبدالبها* :

" قناعت در هر موردی محبوب است حتی در تجارت مقصد سهولت معیشت است زیرا ثروت موقت است و توسیع دائره تجارت سبب پریشانی حال و عاقبت ندارد اینست که در قرآن مینماید لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک ولا تبسطها کل البسط فابتغ بین ذلک سبیلاً "

مبادا نفوس خادمه مخلصه ایکه تحسین امور معیشت یا توسیع دائره تجارت را لازمه خدمات آتیه شمرده و باین جهات یا بدلائل دیگر موقتاً به طهران مسافرت نموده آنچه چنان اسیر قیود زندگانی در آن شهر پهناور شوند که دیگر استخلاصشان مشکل شود و آنچه را وسیله خدمت بامر مبارک میشمرند خود عین هدف و مقصد گردد • پروانه جانسوخته باید حول شمع رضا پرواز گیرد نه آنکه در تار عنکبوت این دنیا بیهوده و ناروادست و پسا زند • بلبل خوشنوا باید در گلستان وفا نغمه دلنشین سراید نه آنکه در قفس زرین ناله حزین سر دهد • باری امیدواریم که یاران عزیز طهران جبران مافات فرمایند و تا فرصت در دست است باجرا* وظائف منتظره و مهاجرت بنقاط سائره پردازند و اگر نفوس فی الحقیقت بععل مجبره از نعمت مهاجرت محرومند با بذل مال و ایجاد شغل و کار در ولایات و نقاط سائره نفوس را بالوکاله باستقرار و خدمت در نقاط لازمه موفق سازند مخصوصاً نفوسی از هر ولایت که در طهران اجتماع نموده اند باید خود را مسئول تقویت وطن ما* لوف شمارند

و بنقاطی که محافل روحانیه داشته و محل گشته عنایت و توجه خاص داشته
و در تاسیس مجددش سعی و کوشا باشند امثال این خدمات جالب برکت و موجب
حصول اطمینان و سکون و مسرت شود و الا جز حسرت و غم و مرارت نتیجه ای عاید
نگردد عمری بهدر رود و توشه ای بدست نیاید بقوله تعالی :

"چه شبها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقتها که
به آخر رسید و چه ساعتها که بانتها آمده و جز باشتغال
دنیای فانی نفس بر نیامد • سعی نمائید تا این چند نفسی
که باقی مانده باطل نشود • عمرها چون برق میگذرد و فرقهها
بر بستر تراب مقر و منزل گیرد • دیگر چاره از دست رود و امور
از شست"

باری یاران عزیز با وفا در ارض طابته ناظر و شاهدند که در این ایام منادیان
امر یزدان در اطراف جهان در جوش و هیجانند و کل بجان در فکر آن که در این
میدان قدمی بردارند و اثری بگذارند همتی بیارند و گوی خدمتی ببرند عزیزان
حق در طهران البته کم از اقران نباشند و در این فرصت مبارک خاموش ننشینند
و وظائف خود را فراموش نکنند و این مشتاقان را ما میوس نفرمایند که دیده ما
در انتظار شماست •

با تقدیم تحیات بیهیه

سید علی اکبر
عظیمی

ادای حقوق الله

● بقلم ایادی عزیز امرالله و امین محترم
حقوق الله جناب دکترا علی محمد وریقا

دوستان عزیز:

در این موقع که در زمین نقشه منیعه بیت العدل اعظم الهی که هدف نهایی آن انتشار و تقدم هرچه بیشتر شریعت الله در سراسر جهان مظلوم کنونی است به عالم بهائی ابلاغ گردیده، لزوم توجه و اهتمام یاران در اجرای احکام مقدسه منصوصه که نتیجه آن ارائه حیات بهائی به عالم انسانی است بیشتر از پیش احساس میگردد. بهمین جهت بیت العدل اعظم که کشتیای سفینه الله در دریای طوفان زای جهان آشفته و متلاطم معا صراست، ابلاغ تدریجی احکام وحد و الهی را بمقتضای نمود معنوی جوامع امریه از اهداف عالییه این نقشه تعیین فرموده و در سبیل تجهیز قوای روحانیه موجود در عالم امر و تشویق و ترغیب یاران با اجرای احکام مقدسه توجه خاص میدول میفرمایند. "قل من حد و کما یقر عرف قبیسی و بهاتنصب اعلام النصر علی القنن و الاتلال"

از جمله احکام منصوصه که اهمیت تفهیم و درک و قیام با اجرای آن در ایام اخیر بارها گوشزد یاران الهی گردیده، توفیق در محاسبه و ادای حقوق الله است. حکم مقدس حقوق الله از طلوع شمس ظهور بیاران شوق ابلاغ گردیده ولی تعداد قلبی از نفوس مقدسه حکم و مصالح مکتونه در آنرا ادراک نموده و با ادای آن توفیق یافته اند. شاید بعضی از دوستان چنین تصور کنند که ادای حقوق الله فقط

وسيله ای مادی جهت انتشار و ترویج امرالله و توسعه امور خیریه و عام المنفعه است ، ولی اجرای این حکم بفرموده قلم اعلی متضمن حکمتهای عدیده میباشد : سبب حصول برکات الهی است ، محک ایمان است و موجب ثبوت و رسوخ در میثاق ربانی .

تلاشهای مادی ماراموزین و متعادل میسازد و مابرایعوالم خوش معنوی پیوندد میدهد . حق جل جلاله ادای حقوق الله راطت و سبب تطهیر اموال نفوس قرار داده است بهمین جهت فرد مؤمن و معتقد که میدانند قسمتی از مازاد مصارف ضروریه او وجهی است که باید بقبول الهی مفتخر و به حق منسوب گردد ، اموال خویش را طبیعتاً از طریق مشروع و مناسبی تحصیل خواهد نمود تا لایق انفاق در سبیل الهی گردد .

تأدیّه حقوق الله رمزی از عشق الهی و نشانی از تعلق فرد بهائی به جامعه انسانی است ، چه بدین وسیله است که فرد در مصالح عالیه بشری ذینفع و سهیم میگردد و انفاقیکه بعنوان حقوق الله بعمل میآورد ، باراده مرجع کل امور ، یعنی دیوان عدل اعظم الهی صرف امور مبروره و عام المنفعه در سراسر عالم بهائی میگردد مطالبه حقوق الله طبق نصوص قاطعه الهیه ممنوع است ، ولی ادای آن فرض و واجب این امر جلوه ای از بلوغ روحانی است ، چه فقط وجدان بیدار و آگاه است که بطور مدایع و منظم شخص را متذکر میسازد که این پیوند روحانی راهسواره متین و محکم حفظ نماید و این رابطه معنوی را که بشکل انفاقی مادی تحقق میپذیرد ، همچنان ثابت و پایدار نگاه دارد . اگر این تنبه و آگاهی وجدان نباشد و کوشش در راه جمع مال و کسب ثروت از راهنمایی معنوی محروم گردد ، ثروتی که باین طریق بدست آید از برکات الهی بی نصیب خواهد شد و چه بسا نفع منتظر عاید صاحب آن نخواهد گسردید .

جمال اقدس الهی در لوح خطاب به سمندر میفرمایند :

* یا سمندر چه مقد از نفوس که بکمال سعی و اجتهاد مشتق از زخارف جمع مینمایند و کمال فرح و شادی را از جمع آن دارند و لکن در باطن از ظم اعلی بدیگران محول شده ، یعنی نصیب خود ایشان نیست ، بسا میشود که به ادای آن نفوس میرسد اما زنا الله و ایاکم من هذا الخسران العبین . عورتلف شد و شب و روز زحمات کشیده شد و مال هم سبب وبال گشت . اکثر اموال نام طاهر نیست . اگر ناس بما انزله الله عامل باشند البته حق آن نفوس را محروم نگذارد و در هر حال فضلش مراقب و رحمتش متوجه خواهد بود . *

پس خوش بحال نفوسیکه با توفیق در اجرای این وظیفه مقدسه وعده مبارکسه،
" ینزل علیه البرکة من سما عطا ربه الفیاض المعطى البازل القدیم " درحق
ایشان تحقق یابد و واسفا از برای آنان که با افعال و عدم توجه باین فریضه
محتومه بیان مبارک، " من خان الله یخان بالعدل " درباره ایشان مصداق
پیدا کند .

محاسبه حقوق الله طبق نصوص الهیه، بر مبنای سنجش ارزش مال با واحد طلا
صورت میگیرد یعنی پس از بلوغ وجوه نقدینه و یا اموال مازاد بر حوائج ضروریه
(از قبیل خانه و اثاث البیت و وسائل کسب و غیره) به قیمتی معادل نوزده
مثقال طلا، باید نوزده درصد آن محاسبه و مشخص گردیده و بابت حقوق الله
منظور گردد .

تشخیص و تعیین ضروریات زندگی که از پرداخت حقوق الله معاف است، بسته
بدرجه تعلقات روحانی و راهنمایی وجدان هر فرد مؤمن است و ضابطه معینسی
برای آن نمیتوان تعیین نمود . این مورد نسبت به هر فرد و در هر موقع اجتماعی و
اقتصادی متفاوت است . مثلاً " ممکن است تملک اتومبیل برای یک فرد وسیله
ضروری کار و معاش باشد که طبعاً از ادای حقوق الله معاف است در صورتیکه
برای فردی دیگر فقط وسیله تفریح و تفنن تلقی شود که در اینصورت مشمول حقوق الله
میگردد . بنابراین هر فرد مؤمن و معتقد باید با توجه تامه با اهمیت ادای دین
بحق، همواره وضع دارائی خود را با تطبیق به درجه و سطح زندگی خویش
سنجیده و آنچه را وجداناً مشمول ادای حقوق الله تشخیص میدهد از دارائی
خویش منتزع نموده و ذمه خویش را آزاد سازد .

در این سنوات که تذکرات متتابعه از طرف محفلین مقدسین روحانی ملی و طهران
شید الله ارکانهم از هان یاران الهی را متوجه اهمیت حقوق الله ساخته است،
بعضی از دوستان که در مشروعات متنوعه امریه مشارکت میفرمایند، چنین تصور
فرموده اند که میتوان تبرعات مختلفه را بجای حقوق الله محسوب نمود و در این
مورد نیز سئوالی از ساحت بیت العدل اعظم الهی بعمل آورده اند و آن مقام
منیع طی دستخط مستدلی موضوع را کاملاً تشریح فرموده اند و احبای عزیزاً
متوجه ساخته اند که آنچه از اموال ناس بحقوق الله تخصیص یابد احدی جز
مرجع امرحق تصرف در آنرا ندارد حتی تصرف خود شخص در سهمی که از اموال او
بحق راجع است، جائز نبوده و بمنزله خیانت در حقوق الله محسوب میشود و لیس
جهت تبرع بسائر مشروعات امریه باشد . بنابراین ادای تبرعات باید بعد از

احتماب و پرداخت حقوق الله صورت گیرد ، نه قبل از آن .

امید است در استان عزیز لحظاتی چند از ساعات تذکر و دعا را بتدبیر و تعمیق در حکمتهای موعده در این فریضه مقدسه تخصیص داده و باقیام با اجرای منظم و مداوم آن ، خود را مشمول الطاف و برکات حضرت منان قرار دهند . والله غنی عن العالمین .



یکی از اصول امر مبارک آنست که اهل بهاء جهت اجراء مقاصد خود از غیربهاشیان اعانه و تبرع مالی قبول ننمایند زیرا تقویت صندوق بهائی موهبتی است که حضرت بهاء الله فقط مخصوص پیروان خویش قرار فرموده و چنین موهبتی اهل بهاء را وحسد هاستول تبرع مالی به امرالله میسازد لهذا از هر يك از یاران دعوت میشود که حتی القوه بکوشند تا با تبرعات کریمانه و مداوم خود وسائط مادی را ایجاد بل از دیار بخشند و حوائج روز افزونی را که امر مبارک در مقابل دارد برآورند .

در پیام بیت العدل اعظم نوروز ۱۳۱

تربیت بهائی اطفال

خ ۱

تربیت بهائی اطفال باید یکی از وظایف ضروریه والدین بهائی و محافل روحانیه محلی وطن محسوب گردد و در ضمن این نقشه باید تربیت امری نونهالان بهائیس در زمره «مجهودات بلیغه» منظمه باران قرار گیرد و تأسیس دروس اخلاقی و تعلیم و تربیت به گفتار و کردار و شرکت دادن نونهالان در حیات جامعه بهائی باید از جمله آن مجهودات باشد .

از پیام بیت العدل اعظم نوروز ۱۳۱

جمعه ۲۲ آذر ۵۳ - جلسه ای داشتیم بخایت گرم و شرمش با شرکت صدای از والدین اطفال بهائی . با اشتیاق شرکت کرده بودند که در این مهم بهرورش نونهالان مادران بهائی به شور و تباد ل نظر پردازند .

بحث را دکتر امین عضو هیئت مشاورین قاره ای در غرب آسیا آغاز کردند .
- اولین شکایت و درختی که ممکن است مطرح شود اینکه چرا مد ارس تمام وقت بهائی نداریم ولی باید دید که آیاتام مساعی خود را در راه حد اکثر استفاده از همان دو ساعت درس اخلاقی که در هفته داریم بکار می بندیم و آیا در خانه به کودکان خود تربیت بهائی می دهیم .
اگر جواب مثبت نیست اولین اقدام استفاده کامل از این دو ساعت و صرف ساعاتی از وقت روزانه یا هفتگی در جهت دادن تربیت امری به اطفالمان است .

— حضرت بهاء الله میفرمایند تربیت اطفال از موجبات صیانت امرالله است .
— حضرت عبدالبهاء میفرمایند تربیت اطفال ذکور و اناث از اعظم اساس این امر بدیع است .

— حضرت ولی امرالله میفرمایند از جمله محافظه دین الله تربیت اطفال است و سبب
ملاحظه بفرمائید که تربیت اطفال بهائی تاچه اندازه ممکن است مهم باشد که
میفرمایند از موجبات صیانت امرالله است ، از اعظم اساس این امر بدیع است
و از جمله محافظه دین الله است . ولی قیام باینکار و بعد موفق شدن در آن چند
آسان نیست چنانکه حضرت عبدالبهاء میفرمایند تعلیم اطفال و تربیت نونهالان
جنت الهی از اعظم خدمات درگاه کبریا است ولی قیام باین خدمت مشکل است
.. و از عهده برآمدن مشکل تر ...

— حضرت عبدالبهاء در یکی از آثار مبارکه تربیت را به تربیت جسمانی ، انسانی ،
و روحانی تقسیم بندی میفرمایند و تربیت روحانی را در درجه اول قرار میدهند ،
سپس تربیت انسانی و بالاخره تربیت جسمانی . ولی اینک در همه دنیا صحبت از
تغذیه و ورزش کودکان است ، تا اندازه ای هم به علم و دانش میرسند که تربیت
انسانی است ولی از تربیت روحانی کفایت سخن در میان است و این جای
افسوس است زیرا فرموده " میارک اگر شخصی بیسواد باشد ولی از نظر روحانی و
اخلاقی ترقی کرده باشد احتمال مفروض بودن چنین شخصی برای جامعه کم است
ولی اگر کسی همه طوع و معارف را بدست آورده باشد در حالیکه تربیت روحانی
نداشته باشد چنین شخصی برای جامعه خطرناک است .

هدف دیانت بهائی بوجود آوردن تعادل بین این سه نوع تربیت است . کودک
دارای استعداد و امکان رشد در هر سه جنبه هست . اگر بموقع غذا به طفل
نرسد جبران نقص تغذیه او بعد ها بسیار مشکل خواهد بود ، همینطور است از نظر
روحانی که اگر بموقع آنچه را که در حق طفل باید بشود انجام ندهیم بعد ها جبران
نمی توان کرد .

اقدامات تربیتی باید هموازات و در جریان رشد طبیعی کودک صورت گیرد و در خارج
از زمان خودش حتی بیک متخصص تعلیم و تربیت یا روانشناس قادر نیست کار مهمی
انجام دهد .

— حال که مشخص شد این سه جنبه تربیتی ، بارها بیت اولویت های آن در دیانت
بهائی باید همزمان مورد توجه قرار گیرد ، و قبول این واقعیت که مامدان
تمام وقت بهائی نداریم ، باید دید در مدارس صومعی چه چیزهایی بفرودگان
مامد دهند تا مابه جبران کمبود ها و آنچه که در این مدارس به کودکانان نمیدهند

بپرد از هم و بپداست که اهم کوشش مصروف مسائل اخلاقی و روحانی اطفال
 باید بشود. از جمله هدفهای روحانی و اخلاقی اینست که اطفال خود را
 طوری بار بیاوریم که تعصب نداشته باشند، خیرخواه باشند، هر یک صنعتی
 بیاموزند زیرا دانستن يك صنعت نه تنها از نظر روحانی و انسانی بلکه از لحاظ
 اقتصادی نیز در دنیاى امروز مهم است. به طفل استقلال می‌دهد، خلقت
 میدهد و روحیه او بطور مثبت اثرگذاری میکند. حضرت عهدها بارها
 تأکید فرموده اند که اطفال بهائی علاوه بر معارف امری باید احکام و تاریخ
 ادیان گذشته را فراگیرند زیرا چنین مطالعاتی به کودک دید تازه میدهد
 جهان بینی او را بیشتر میکند، امکان تبلیغ را وسیعتر مینماید و تعصب را زایل
 میسازد.

— تربیت روحانی درك ارزشها و اصول ایمانی است چنین تربیتی تدریجی حاصل
 میشود و در روان کودک سیلان می‌یابد. برای درك ارزشهای عالی انسانی
 کودک باید در طول زمان و همراه با جریان رشد طبیعی تربیت شده باشد
 و الا با چند کلاس و کنفرانس چنین امکانی حاصل نمیشود. وقتی کسی با موسیقی
 بزرگ شد و ذوق و قریحه لطیف در تار و پود او مخمر گردید در زمان بزرگی خوبی
 و بدی يك آهنگ و ترانه را خود بخود می‌فهمد. روحانیات نیز بایستی از کودکی
 در وجود انسان ساخته شود تا در بزرگی تشخیص ناروائیها را خود بخود بدد.

— باید توجه کرد که تربیت روحانی مابینش با تحری حقیقت ندارد و اگر چنین تصور
 کنیم که تربیت روحانی طفل آزادی کشف حقیقت را در بزرگی از او سلب میکند
 کاری جز مغالطه و سفسطه انجام نداده ایم. بعکس کسی که در ابتدای حیات
 تربیت روحانی ندیده باشد در بزرگی آزادی درك حقیقت و تحری آنرا ندارد.
 «منا» نظیر کسی که در کودکی سواد نیاموخته و در بزرگی ناگهان او را به دانشگاه
 ببریم تا تحری کند کدام رشته طمی بهتر است که البته چنین چیزی ممکن نیست
 زیرا این شخص بسبب فقر زمینه طمی لازم صلاحیت گزینش را ندارد. طفل
 بهائی باید لوازم و مقدمات تربیت روحانی را واجد شود تا در هنگام رشد و بلوغ
 قادر به تحری حقیقت باشد. چنین امکانی را چگونه خواهد یافت. از راه رفتن
 به همین کلاسهای درس اخلاق، از راه تحصیل معارف بهائی در سایر
 کلاسهای امری، از راه اخذ تربیت صحیح روحانی در محیط خانه.

— حال باید دید که چگونه اطفال بهائی آموزش روحانی را در محیط خانه و درس—
 اخلاق با ذوق و شوق و علاقه پذیر خواهند شد. این دیگر بر میگردد به شور

و شوق و علاقه خود والدین و معلمین آنها و حتی صاحبان منازل که کلاس درس اخلاق در منزلشان تشکیل میشود . این نمونه را همیشه ذکر کرده ام که مرحوم عطاءالله خان دوستدار از احبای باوقا و مشتاق جمالقدم همواره در خانه شان کلاسهای درس اخلاقی را فرمود . جمعه ها صبح خیلی زود از خواب برمیخاستند ، بهترین لباسهای خود را میپوشیدند ، وسایل پذیرایی از اطفال بهائی را فراهم میکردند و هر يك از اطفال که از راه میرسیدند مورد نوازش و محبت ایشان قرار میگرفتند و معتقد بودند که بهترین پذیرایی را باید برای بهترین مهمانان کرد و اطفال درس اخلاق بهترین و عزیزترین مهمانهای ایشان هستند . این بود که شاگردان کلاسهای که در منزل ایشان تشکیل میشد چه معلم داشتند و چه نداشتند صبحهای جمعه باشوق و علاقه کم نظیر بسوی خانه جناب دوستدار روان میشدند . حال تصور میفرمائید با طرح ویان چه مقدار مطالب علمی و صرف چه کوششهایی بتوان به چنین نتیجه ای دست یافت ؟

— کتاب درس اخلاق در ردیف مهمترین کتب خانه بهائی است . پس باید در گرانبهاترین جا قرار گیرد و در بهترین اوقات از آن استفاده شود .

— ذکر صبح و شب و نهارت الواح و آثار مبارکه در خانه ، خانه را بصورت يك معبد روحانی و موثر در تربیت اخلاقی اطفال در میآورد .

— حضرت ولی امرالله در جواب یکی از جوانان بهائی غرب که در امر تبلیغ خیلی کوشا بوده و بحسب مبارک طی عرض می کند که اشخاص ایمان میآورند ولی جمع مؤمنین بروز دهند آن نمونه هایی نیستند که حضرت بهاءالله مقرر فرموده اند ، میفرمایند افراد اول مؤمن میشوند ، این مؤمنین سعی میکنند بچه های خود را بهتر از خود تربیت کنند ، اطفال آنها هم همین ترتیب . . . تا وقتی برسند که نسلی قادر شود آن تربیت روحانی را که منظور نظر حضرت بهاءالله است بجنبه ظهور و بروز برساند .

— و ما از جمله کوشش کنندگان همین سبیل هستیم .

سخنان صمیمی و بی پیرایه دکتر ایمن اجازه داد تا بحث درجاده ای روان و هموار پیش رود و تبادل نظرهای سودمند صورت گیرد ، و من بعنوان یکی از حاضران در آن جمع در نیم آمد که شمه ای از ماقع آن حظه روحانی را در این نامه منعکس نکنم .

تبیرووی عظیمی امر تبلیغ در دیانت بهائی

● دکتر علی محمد برافروخته

پس از بعثت جمال اقدس ابهی و نزول کتاب
مستطاب اقدس در مورد امراض تبلیغ قلم اعلی
چنین میفرمایند : قوله تبارک و تعالی :

(و نریکم من افقی الابهی و نصرمن قام علی نصرت
امری بجنود من الملائه الاعلی و قبیل من الملائکه
المقربین) . همچنین در موقع دیگری از همین
کتاب مستطاب میفرمایند : (قوموا علی خدمت
الامر فی کل الاحوال انه یتوکل علیکم بسلطان کسان
علی العالمین محیطا) . مضمون این آیات
مقدس الهیه بفارسی چنین است : (من شمارا
از افق ابهی می بینم - هر که بر پیشرفت امر
من قیام نماید او را بوسیله لشکرهای ملاه اعلی
و دستجات ملائکه مقربین الهی نصرت خواهم
کرد) (برخیزید بخد مت امر در جمیع احوال
بد رستیکه خداوند شمارا بقدرتی که بر تمام
عالمیان محیط است تا عهد خواهد نمود .)

امر مهم تبلیغ در دیانت بهائی یکی از واجبات
فردی است که از بد و ظهور و بعثت حضرت
رب اعلی ارواح الوجود لعالفدا کرارا با حبا
تذکر داده شده است چنانکه در قیوم الاسما
که بنام تفسیر سوره یوسف و یا احسن القصص
نامیده شده و بفرموده جمال اقدس ابهی از
مهمترین کتب حضرت رب اعلی است در سوره ۸۸
میفرمایند : قوله الحق : (یا اهل الارض بلغوا
امرنا الحق الی کل . . .) . یعنی ای ساکنان
زمین امر حق ما را بهمه تبلیغ نمائید . . .)

همچنین خطبه مفصلی در مورد امر مهم تبلیغ
و شرایط مخصوصه آن خطاب بحروف حی نازل
فرمود که در کتاب تاریخ نبیل ذکر
گردیده و دوستان عزیز الهی میتوانند بدان
مراجعه و استفاده نمایند .

بنابرموده شارع قد بود یانت مقدس بهائی هرکس که به تبلیغ و خدمت بامر الهی قیام نماید ————— دستجات ملائکه مقربین و لشکرهای آسمانی پروردگار خالق دین او رانصرت خواهند نمود و قدرتی که بر تمام عالمیان احاطه دارد باو قوت و قدرت خواهد داد . این همان نیروی عظیمی است که منکرین و مغرضین راهم وسیله تبلیغ د یانت خود قرار میدهد و در کتاب مبین ص ۱۱۷ میفرماید : قوله العزيز :

(قل ان الاعراض من کل معرض منادی لهذا الامرو به انتشار امر الله و ظهوره بین العالمین) . یعنی (بگو اعراض و اعتراض معرضین منادی این امر هستند و باعراض آنها ظهور دین الله بین مردمان ثابت شده و انتشار خواهد یافت) . این بیان مبارک بما الهام میدهد که از رده و اعتراضا گوناگون افراد بی اطلاع نباید بهیچوجه نگران بود زیرا همین مغرضین بهترین مبلغین امر الله میباشند .

درالواح دیگر نیز میفرمایند : (الیوم جز خدمت بامر الله و نشر نفعات الله و اعلاء کلمة الله هر فکرو نکرى خسران مبین است والله الذی لا اله الا هو اگر نفسی چنانچه که باید قیام کند ابواب آسمان بر او گشوده شود ملائکه اعلیٰ او را حمایت نماید عزت قدیمه یابد و حیانت ابدیه جوید) همچنین میفرمایند : (امروز روز تبلیغ است و کسل باو مامور تا مخلصین بمقامی که در کتاب الهی نازل شده فائز شوند . اگر نفسی باین مقام فائز نشود از مهتین محسوب .)

حضرت عبدالبها سرالله الاعظم ارواحنا لمرسه الا طهر فدا نیز میفرماید : تبلیغ مغناطیس تأیید است اگر تبلیغ بتأخیر افتد

تأیید سلب شود .) همچنین حضرت مولی الورد درالواح مقدسه وصایا میفرمایند : (باید افغان ثابته راسخه بر میثاق الله که از سدره تقدیس روئیده اند یا حضرات ایادی امر الله علیهم بها الله و جمیع یاران و دوستان بالاتفاق بنشر نفعات الله و تبلیغ امر الله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند دقیقه آرام نگیرند و آنی استراحت ننمایند در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند دقیقه نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نعره یابها الا بهی زنند . . . در این ایام اهم امور هدایت ملل و امام است باید امر تبلیغ را مهم شمرد زیرا امر اساس است . . .)

حضرت ولی عزیز امر الله ارواحنا لمرسه الغدا در این مورد میفرماید :

(از فرائض مهمه که از قبل بآن اشاره شد اعظم و الزم از کل امر مهم تبلیغ است زنهار زنهار امر تبلیغ دقیقه معوق و معطل ماند زیرا امر تبلیغ مقصد اصلی اقدامات امریه یاران است و مایسه سعادت ابدیه آنان .)

بنابرایات مقدسه فوق امر مهم تبلیغ از فرائض اصلییه و مهمه اهل بها است که اولاً سبب جلب رضای حضرت پروردگار و قربیت باستان الهی است و ثانیاً سبب جلب تأیید برای موفقیت در خدمت بعالم انسانی است .

بنابراین امر مهم تبلیغ وسیله نزول روح اعظم الهی برای زنده شدن مردمان بی ایمان باینظهور اعظم نیز میباشد از این لحاظ در این دور امر تبلیغ بعهدۀ عده مخصوصی واگذار نشده و حضرت ولی امر الله ارواحنا فدا میفرماید :

(تبلیغ و تبشیر مخصوص طبقه بخصوصی از نفوس مانند روحانیون ادوار قبل نبوده بلکه در این دوره عموم یاران ثابت با وفای امر حضرت میزدان عهد در این امر عظیم میباشند . . .)

تأئید و رستگاری طائف حول تبلیغ است. حق جل جلاله اراده فرمود که دوستان و یاران ثابت خود را مشمول این نیروی عظیم فرماید و عموم احبب از زن و مرد، پیر و جوان و بزرگ و کوچک هر يك را بفرآخور حال مكلف بانجام این مأموریت روحانی فرموده است. بنابراین هر فردی که خود را بهائی میداند وظیفه دارد که عهد در امر مهم تبلیغ گردد. اگر فردی در این مورد تگاهل نماید شخصا خود را از استفاده از این نیروی عظیم پروردگار محروم نموده است و طبق بیان حضرت عبدالبها " تربیت کودکان و نوجوانان با آداب امری و دستورات بهائی حافظ آنها میباشد و تنها بهائی زاده بودن نمیتواند کودکان را بسعادت روحانی نائل سازد .

برای بیان چگونگی این نیروی تبلیغی باز هم از بیانات الهیه استفاده مینمائیم: حضرت عبدالبها روح العالمین له الفدا بیانی فرموده اند که ایادی متعاهد الی الله هوراس هولی آنرا در کتاب معروف خویش (روح این عصر) مرقوم فرموده:

(در دیانت بهائی قدرت اسرار آمیز ملکوتی در راز فهم و ادراک بشر موجود است که جمیع تحولات کنونی جهان از اوست. این قدرت با حباب الهام میبخشد، این نیروی قدرتهای مخالفین و منکرین را متلاشی میسازد و برای پیشرفت خود عوالم جدید ایجاد مینماید.) اثبات عظمت و خلافت ظهور حضرت بهاء الله بیک جوان بهائی هم لازم و سبب نجات او میگردد .

ایادی امرالله امقالبها روحیه خانم نیز در کتاب (گوهریکتا) صفحه ۴۹۳ نظیر همین بیان را از قول حضرت سرالله اعظم مرقوم فرموده اند: (در این امر قوه نهائی موجود است که بمراتب اعظم و اقوی و ارفع از قدرت انسان و حتی ملائکه های آسمان است.) بنابراین برای اینکه کودکان ما حفظ و صیانت گردند باید والدین بنسبتهای سعی و کوشش آنها را با آداب بهائی آشنا نموده در پناه این قدرت الهی قرار دهند تا حفظ شوند و نجات یابند .

باید تبلیغ نمود و بنوع بشر مخصوصا " هموطنان گرامی وجود این نیرو را ثابت کرد و با آنها فهماند که اگر بآن متوسل شوند نجات خواهند یافت زیرا همین نیرو است که دائما " حاضر و آماده ایستاده تا با افرادی که در تبلیغ قیام مینمایند نصرت نماید .

باید تبلیغ نمود و بجهانیان تفهیم کرد که حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی موعود کل کتب آسمانی - مظهر ظهور الهی و نجات دهند نوع بشر بوسیله این نیروی عظیم خلاقه میباشند .

باید تبلیغ نمود تا هموطنان عزیزیدانند که خداوند بزرگ برای ایران کشور مقدس ما و ایرانیان هموطنان عزیز منت گذارد که حضرت بهاء الله را برای نجات عالم و احیاء امم مبعوث فرموده و جهان برای نجات خود راه دیگری جز توسل باستان اسم اعظم الهی ندارد .

باید تبلیغ نمود و فهماند که تصور نمایند که توسل با دیان سابقه - توسل به پول - توسل بقدرت اشخاص یا توسل بسیاستو یا بعلوم

سبب نجات میگردد زیرا حضرت ولی عزیز امرالله میفرمایند : (جمیع مومسات سیاسیه که بفکر و تدابیر بشری بوجود آیند چون تحت تأسیس افکار ناقص بشری میباشند خود بخود فاسد شده نایب خواهند گردید .)

باید تبلیغ نمود تا بحریم دلهای صاحبان راه یافته و با تموجات روحانی اینظهور اعظم الهی حرارت محبت الله را بآنها القانمود .

باید تبلیغ نمود و بنوع انسان ثابت کرد که تمام انظمه سابقه بر اثر نظم جهان آراء حضرت بهاءالله با انقلاب و اضطراب افتاده از بین خواهد رفت و فقط این نظم بدیع الهی کافل حفظ و صیانت افراد عالم میباشد زیرا اراده الله است . چه حق جل جلاله اراده فرموده که در هر دو برای نجات و حفظ عالم یکی از انبیاء مبعوث شود . در این دور هم اسم اعظم خود حضرت بهاءالله جل شأنه را مبعوث فرمود بنابراین اسم او نجات دهنده عالم و عالمیان است .

باید تبلیغ نمود و با قیام عاشقانه نقشه تبلیغی ۵ ساله بیت المدل اعظم الهی را که برای نجات عالم و استقرار ملکوت الله بر سطح زمین طرح فرموده زودتر اجراء و انجام گردد .

رستگاری ابدی و شعر جاودانی

باید تبلیغ نمود تا بجهانیان ثابت گردد که بر اثر

اختراعات علمی قرن اخیر وحدت مادی کره زمین فراهم شده و اگر جهان به روحانیت محدود متوسل نشود قوای مادی زراد خانه های عالم سبب نابودی جهان خواهد شد . اگر این وحدت مادی در برابر وحدت روحانی دیانت بهائی قرار گیرد وحدت عالم انسانی و صلح عمومی پایدار را استقرار خواهد داد و عالمرانجات خواهد داد جمال اقدس میفرمایند : قوله العزیز :

(شعر هر نفسی اثر اوست نفسی شعر مثل شجر بی شعر در منظر اکبر مذکور لله ناطق شوید ولله تبلیغ امر نمائید باعراض و اقبال ناظر نباشید بلکه ناظر بخد متی که بآن ما مورید من لدی الله اینست فضل اعظم و رستگاری ابدی و شعر جاودانی .)

در ایند و روحش و انقلاب که سیاستهای مختلفه عالم را گرفتار نتایج و خیمه نمود برای نجات جوانان خود باید آنها را در احتفالات تبلیغی هفتگی خانوادگی جمع نمائیم و هر هفته اهداف متدبر دیانت بهائی را برای آنها شرح داد متوجه کنیم و با آنها مطالعه و بررسی نمائیم تا در ریجا " تجهیز شوند و بعظمت ظهور روح حضرت بهاءالله بی برند آنوقت با استفاد از تأییدات الهیه و نیروی عظیم خلاقه این ظهور ، خود آنها با استظهار و پشتیبانی از این نیروی را بسلاغ کمال الله بسایرین ، عاشقانه قیام خواهند نمود و نتایج عظیم آن ظاهر خواهد شد .

راههای دست یابی به آزادی درونی

جنبه های تشوری و عملی تربیت فردی

درباره کتاب

راههای دست یابی به آزادی درونی جنبه های تشوری و عملی تربیت فردی، نام کتابی است نوشته آقای اریک بلومنتال روانشناس بهائیس اروپائی که آخرین تألیف مطبوع این نویسنده بشمار میرود و من پس از بیان دیباچه و فصل بندی کتاب، فصلی از آنرا بطور فشرده و خلاصه ترجمه میکنم و زیلاً از نظر شما خواننده عزیز میگذرانم

تا شاید پس از آشنائی با سبک کار و افکار کتاب آنرا بدست آورده و تمامش را بخوانید .

این کتاب بزبان آلمانی است و گرچه کتابی است عمومی برای بهائیان و غیر بهائیان با اینحال مطالب آن با اصول و موازین دین است بهائی مطابقت دارد .

فرح دوستدار

درباره نویسنده

آقای اریک بلومنتال عضو هیئت مشاورین قاره اروپا و رزمره روانشناسان معروف و موفق این قاره بحساب میآیند .

اریک بلومنتال استاد دانشگاه شهروترن-بورگ

(آلمان) رئیس انجمن آلفرد آدلر (بانی اصول روانشناسی فردی) سوئیس و آلمان و عضو هیئت مدیره انجمن بین المللی روانشناسی فسردي (نیویورک) میباشد . ایشان سالها در جامعه بهائی اروپا با سمت معاون ایادی به خدمات

امری پرداختند و پس از تأسیس هیئت مشاورین
قاره ای به افتخار عضویت این هیئت نائل گردید
محل اقامت و دفتر روانکاوی ایشان در شهر
خوش منظره و مصفا ایمن اشتات آلمان میباشد
که همه ساله نفوس زیادی برای معالجات روانی
یا حل مسائل شخصی و خانوادگی به آنجا مراجعه
مینمایند . سخنرانیهای باارزش جناب بلومنتال

در مدارس زمستانه و تابستانه بهائی اروپا مورد
علاقه و توجه بسیار جوانان و راهنمای آنان جهت
مقابله با مسائل روزمره اجتماعی قرار گرفته است .
از جناب بلومنتال علاوه بر کتاب مورد بحث کتب و
تألیفات باارزشی به زبان آلمانی موجود است و
و هم اکنون نیز در حال تحریر کتابی درباره
تعلیم و تربیت بهائی میباشد .

سرآغاز کتاب دریاچه کوتاهی پرروانشناسی فردی
است . روش های علمی و ساده ای که برای تربیت
فردی در این کتاب ارائه گردیده قسمت های
عمده آن مبنی بر اصول روانشناسی فردی آلفرد -
آدلراست . روانشناسان دیگری نیز مانند
آکساند رمولرو بخصوص دکتر رودلف درایکوس
در تکامل و تشریح اصول روانشناسی فردی سهم
بسیزائی داشته اند (رودلف درایکوس یک
روانشناس امریکائی است و سالها از همکاران
و دوستان صمیمی مؤلف کتاب ، بلومنتال بوده
است) .

خوشبینی و بالاخره خوشبختی ، بدست خواهیم
آورد ، آرامش و صلح را در درون خود و در کنار
دیگران خواهیم یافت .

نکات زیروجه تعابیر روانشناسی فردی آدلرا سایر
مکاتب روانشناسی است . در این مکتب بشر
بصورت یک واحد مستقل مشاهده میشود در همین
حال که شامل اجزائی نیز میباشد ، تقسیمات
روانکاوی انسان به من ، او ، من برتر ، یا
تقسیمات ضمیر آگاه و ناخود آگاه و یا اعمال مختلف
انسان مانند تفکرات ، احساسات ، اراده ، رفتار
همگی بعنوان اساس مطالعات درخور مدافعتند .

مباحث علمی این کتاب امکان آنرا برای خواننده
فراهم میسازد که خصوصیات منفی خود را به
خصوصیات مثبت تبدیل نماید . با بکار بردن این
روش ها فرد شهامت و اعتماد لازم را جهت وفود
خوبش با دیگران در محیط های خانوادگی ، کار
و دوستانه ، تشکیلات و بالاخره در جامعه بدست
میاورد . هدف تربیت فردی آزادی و رهائی از
احساسات منفی ، نقاط ضعف شخصی ، بدبینیها
مادیات و خرافات است . بدین ترتیب
آزادی لازم را برای صبر بردباری ، تفاهم ، رضا

روانی این تقسیمات اجازه میدهد که بشر را بهتر
بشناسیم بدون آنکه این عوامل را بعنوان نیروهای
حاکم بر انسان تلقی نمائیم . متأسفانه این فرضیه
غلط که بشر را برده این نیروها میانگارد متداول
زمان ماست . روانشناسی فردی بشر را بعنوان
واحدی مستقل با هدف معین معرفی میکند و
کلیه اعمال او را بر اساس هدفش مطالعه مینماید
و بعبارت دیگر هدف و منظور را در بررسیهای
روانی پیش از علت و سبب درم نظر دارد . برخلاف
اکثر مکتهای روانشناسی که انسان را وجودی

میداند دارای خصوصیات معین در روانشناسی فردی به این خصوصیات چندان تکیه‌ای نمیشود بلکه فرد را برحسب آنکه این خصوصیات را چگونه بروز میدهد در نظر میگیرد. روانشناسی فردی خوشبینی را لازمه زندگی و بدبینی را مغایر آن میدانند. تساوی اجتماعی افراد بشر یکی از اصول این مکتب است و باین ترتیب اختلافات متداول کنونی مانند اختلافات جنسی، نژادی، هرقژدی (حتی کودک) باید بصورت موجودی مستقل و مساوی با سایرین مشاهده شود.

روانشناسی فردی اساس و موجد یک تربیت جدید است و میخواهد دانستنیهای بشر را انتقال پذیر سازد اما نه با روشی سخت و در سطحی بالا بلکه بصورتی ساده و باروشهایی که به اعماق شخصیت افراد اثر نماید. هدف روانشناسی فردی آنست که احساساتی از قبیل واقع بینی، مسئولیت، همبستگی، جان‌نشین نمودن خوشبینی بجای نگر و بدخواهی را در انسان تقویت نماید و این هدف بوسیله تکامل آگاهانه احساس اجتماعی بودن و ترك تعصبات و پیش‌داوریها قابل حصول است. پس از خاتمه بخش اول که مقدمه ای بر روانشناسی فردی است مطالب کتاب به هفت بخش دیگر تقسیم میگردد:

- ۱- شناسائی اصول کلی ۲- شناسائی پیش‌داوریها (تعصبات) ۳- خودشناسی ۴- سه روش تربیت فردی ۵- دید مثبت ۶- اجرای وظایف زندگی ۷- مثالها و نمونه های علمی.

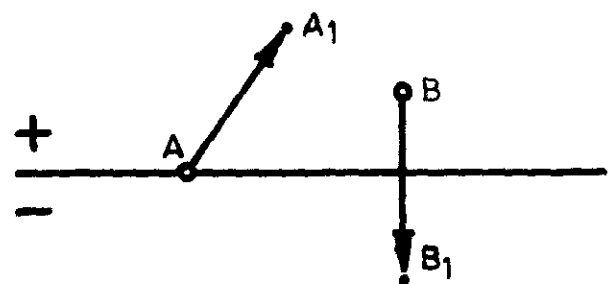
● شناسائی اصول کلی

از مقایسه افراد نوع انسان باید یگرد رمیابیم که

با وجود گوناگونیهای ظاهری وحدتی در بین آنان موجود است و به بیانی دیگر میتوان همه را برگزین یک شاخسار دانست. این وحدت در گوناگونی فکر ما را به تساوی اجتماعی افراد بشر سوق میدهد با اعتقاد باین اصل که مراتب و درجات در رتبی نوع موجود است. تساوی اجتماعی هدفی است که جهت برقراری صلح و آرامش در دنیا کنونی باید بدان جامه عمل پوشانید. مادر دوران تغییر و تحول از گذشتهای اتوکراتی (حکمرانی فردی) به آینده ای دموکراتی (حکمرانی مردم بر مردم) قرار گرفتیم. در گذشته تصمیم و حکم یک فرد بعنوان یک قدرت مطلق قاطعیت داشت. این قدرت مطلق پیشوای دینی، سلطان، حاکم و پاد در خانواده بود حتی امروزه نیز برخی از پدران سعی دارند که حاکمیت خود را در خانواده حفظ نمایند ولی این روش با روح زمان ما سازگاری ندارد. در گذشته قدرت فردی لازمه اجتماع بود ولی در جامعه دموکرات امروز باید ف تساوی و برابری اجتماعی قدرت مطلق فردی از بین میرود.

ما با حاکمیت فردی مخالفیم اما قدرت و حاکمیت یک گروه، انجمن، محفل یا ملت و قوانین موضوعه آنها را لازم میدانیم. در اینجا قدرت کلی روحانی یا به بیانی خداوند را باید مستثنی دانست زیرا در این رتبه مفاهیم مختلف مانند قدرت، آزادی و غیره دارای معانی دیگری میگردد. منظور از برابری اجتماعی مساوی بودن انسانها از جنبه حقوق و مقررات اجتماعی است نه از جنبه فردی. در روانشناسی فردی باید آموخت که هرگز نباید افراد را با یکدیگر مقایسه نمود این مطلب یعنی مقایسه و وفرد به آن حد خنده دار است کسه بخواهیم سببی را با پیاو مقایسه کنیم. با توجه

باین که مقایسه این دو از آن جنبه که هر دو جماد نده به حقیقت نزد یکتر است. ما میتوانیم از نظر نیروهای بدنی افراد را با یکدیگر بسنجیم بطور مثال در فعالیتهای ورزشی و بدنی اما این سنجش از لحاظ روانی بهبوده و بی شمر است زیرا از جنبه نفسانی و روانی نفوس بعدی متفاوتند که هر فرد بشری را باید واحد مستقلی دانست که در گذشته موجودی مساوی با او وجود داشته و در آینده بوجود خواهد آمد. ارزش اجتماعی هر فرد تنها بوسیله موجودیت خود او مشخص میگردد. در روش قدیمی اتوکراتی مقیاس سنجش برتری و پست تری بود و منظور از مقایسه افراد تعیین حد برتری بود. ولی در روش تربیتی جدید این اصل آموخته میشود که (هرگز نباید خود را با فرد دیگری مقایسه نمود) این مقایسه انرژی انسان را مصروف مطالبی بهبوده و پوچ میسازد و مسئله ای فرض ایجاد مینماید که فرد دائماً در حال اثبات خوب باید بودن خود و دیگران میگردد و در نتیجه فرصت و انرژی جهت حل مسائل اصلی زندگی و پیشرفت بسوی هدفها باقی نماند. مطلب در نمود ارزیابی روشنتر میگردد.



دو فرد A و B را در نظر میگیریم A دائماً خود را با B مقایسه مینماید و گمان میکند که B برتر از اوست. در حالت اول میکوشد که سعی و جتهدت خود را نیز بالا آورده به نقطه

A1 برساند. در این حالت او خود را برتر از B را پائین تر از خویش مشاهده مینماید (حالت مثبت). حالت منفی قضیه زمانی است که A اعتماد بنفس خود را از دست داده و شایستگی آنرا در خود نیابد که از طریق جسد و جهد خود را به نقطه برتر برساند. در این حالت سعی مینماید بوسیله ای مصنوعی B را به نقطه ای پست تر بیاندازد (نقطه B1) این مسئله مصنوعی همان بدگوئیها، غیبتها و افتراها است که در اجتماع من بینیم. حال B در نقطه B1 قرار دارد و A بدون هیچگونه فعالیت و ترقی به ارزان ترین وسیله یعنی پست کردن B خود را برتر از او مینماید.

مراتب فکری - مراتب متعددی در عالم وجود ذکر کرده که در اینجا به بررسی سه مرتبه حیوانی، انسانی و روحانی میپردازیم. بسا تشریح این سه مرتبه مهم بسیاری از مطالب برای ما آسان میگردد. هر یک از این سه مرتبه دارای قوانین مخصوص بخود است در حالیکه قوانین طبقه پائین تر را نیز شامل میشود. بطور مثال احساس که مختص مرتبه حیوانی است در انسان نیز موجود است ولی آنچه او را از حیوان متمایز مینماید قوه تفکر است. در عالم روحانی نیز این تفکر موجود است ولی تمایز او نسبت به مرتبه دانی ایمان است. ایمان بمعنی کلی آن مراد است که نه تنها از لحاظ دینی بلکه بعنوان یک خاصیت بشری و نیروی روحانی که تاکنون علم نتوانسته آنرا بوضوح توجیه نماید دارای اثراتی خارق العاده است. مثال دیگر مفهوم آزادی در مراتب مختلف است. حیوان برده فرائض خود میباشد و در نتیجه آزادی در این مرتبه مفهومی ندارد. در مرحله انسانی آزادی ظاهری

در اثر زندگی مشترك با سایر افراد نوع انسان پایه بیانی زندگی در اجتماع محدود میگردد زیرا هر فرد تاحدی میتواند آزاد باشد که به آزادی دیگران لطمه ای وارد نسازد ولی در مرتبه روحانی بشر میتواند تا بینهایت تکامل حاصل نماید . آزادی درونی یا روحانی مرزوحسودی نمی شناسد .

تحری حقیقت

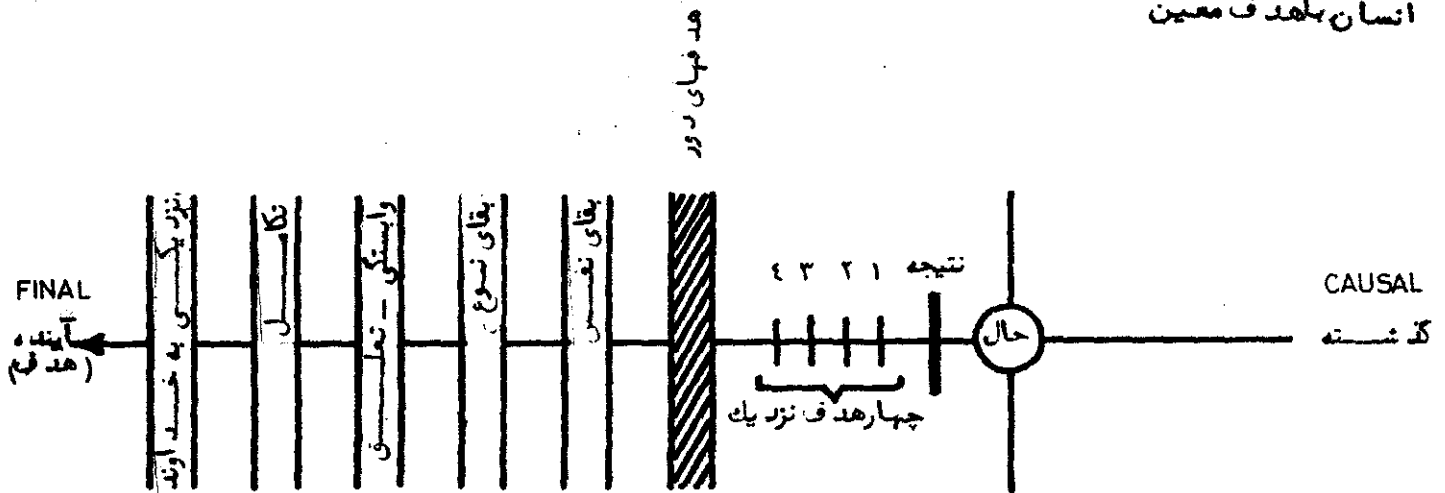
بشر امروز صرفنظر از اینکه در چه سطح اجتماعی قرار گرفته یا تحصیلاتش در چه حد و است با مقایسه با بشر ۲۰۰۰ سال پیش میتواند مستقلاً مطالعه ، تفکر و تعمق نمود و نتایج منطقی برای خود بدست آورد . در هزار سال قبل تعداد معدودی از افراد اجتماع دارای چنین امکاناتی بودند و سه هزار سال پیش به آغاز چنین تکاملی میرسیم . اکثر افراد اجتماع ، به امکاناتی که در زمان ما پدید آمده آگاهی نداشته و افکار و عقاید ثابتی که در آنها ایجاد میگردد تحت تأثیر اطلاعاتی است که از محیط اطراف خود یعنی والدین ، افراد فامیل ، آشنایان ، دوستان ، مریدان ، مطبوعات ، رادیو ، تلویزیون و تبلیغات با آنها میرسد . اطلاعاتی را که محیط اطراف در اختیار میگذارد نباید بدون آزمایش پذیرفته و عقیده ثابت خود سازیم یا بعکس با پیش داری منفی آنها را رد نمائیم به عارفتی نباید برده طم زمان خود باشیم . از سوئی تحری حقیقت نباید باعث گردد که کلیه مطالب را باید منتقاد

بنگریم زیرا انتقاد و عیبجویی منتج به منفی بافی میگردد . وظیفه ما بیشتر آنست که اطلاعاتی را که از جوانب مختلفه بمانیرسد دقیقاً و بسا تعمق بررسی نموده و آنچه را که صحیح یافتیم

قبول نمائیم . البته برای این بررسی به مقیاس و میزانی احتیاج داریم . این میزان را روانشناختی فردی از طریق احساس اجتماعی بودن و اعتماد بنفس مرضه میدارد ولی بهترین مقیاس و میزان ایمان واقعی به خداوند و مظاهر امر اوست .

اهمیت فرد

کنفو سیوس میگوید " هر فردی برای صعود یا سقوط دنیا مسئول است " انشیتینز میگوید " انسانی که زندگی هموطن خود را بویج و بی مفهوم بداند نه تنها موجود بدبختی است بلکه ارزش زندگی کردن را ندارد " . این حقیقتی است که ما خیلی کمتر از آنچه که باید به خود و نیروهای خود اعتقاد داشته و درباره آن آگاهی داریم . هر فرد کوچک و ناچیزی در خیابان برای عالم بشریت و آینده آن قابل اهمیت است تنها سیاستمداران ، اقتصاددانان و یاسایر افراد مهم نیستند که دنیا را تغییر میدهند بلکه هر يك از ما چه زن ، چه مرد و چه بچه آگاه یا ناخود آگاه برای بشریت و تکامل آن لازم و دارای اهمیتیم . اهمیت هر فرد وابسته به اعتقاد و ایمانی است که او نسبت بخود و استعداد های خود دارد . هلسون رئیس جمهور امریکا میگوید " ملتها از پائین تجدید میگردد نه از بالا هر عقیده و انتظاری هر آرزوهای تفاوتی ، هر رفتار ایمان یا شکی بر اطرافیان اثر میگذارد ، چه فرد بر آن آگاهی داشته باشد یا نداشته باشد ، آنچه که اکثر ما فاقد آنیم ایمان به شخص خود و تأثیر برد دیگران است و زمانی که بر آن آگاهی یابیم میتوانیم از این تأثیرات بنحو مثبت استفاده مکنیم



علل دخالت کنند :

ارث - محیط - تربیت - فطرت - غرائز - حقایق - سرنوشت .

در نمودار بالا سمت راست خط افقی نشان دهنده زمان گذشته و سمت چپ بسوی آینده و هدف پیش میرود . خط عمودی زمان حال را بیان میکند . هنگامیکه با واقعه بد یا مشکلی در زندگی برخورد می کنیم یا به سبب خود را غمزه ، بیچاره ، خسته یا ناراضی احساس میکنیم یا وقتی که مرتکب رفتار اشتباهی میگردیم و بطور مشالک نسبت بخود یا دیگران رفتار تنیدی داریم برای حل مشکل به عقب برمیگردیم و سؤال برای چه مطرح می کنیم . بطور خلاصه با توجه به استعداد های فردی و عوامل وراثتی تربیتی و غیره بی علت میرویم و معمولاً "عوامل مختلفی مانند امیال ، غرائز ، اختلال هورمونها ، اختلالات مغزی و از این قبیل را بعبان میکشیم .

این روش دیرینه و کهنی است اما امروز بخصوص در مسائل روانی بعقب بر نمیگردند بلکه به هدف ، منظور و آینده بیشتر توجه میشود . در اینجا سؤال "بچه منظور و هدفی ؟" مطرح میگردد . دلایل متعددی برای امتیاز و برتری این روش موجود است و مابه اختصار تعدادی از آنها را نقل مینمایم .

اولاً آنچه در گذشته اتفاق افتاده قابل تغییر نمیباشد ولی هدف همیشه در پیش است اگر چه ناخود آگاه باشد و آنچه که مادر پیش داریم حتی ناخود آگاه زمانی که بر آن آگاهی بایم قابل تغییر است . ثانیاً هنگام بررسی علت میتوان صد ها دلیل برای آن یافت . حتی برخی از دانشمندان بزمان جنینی فرد در رحم مادر بر میگردند و به بررسی وقایعی که در آن زمان رخ داده میپردازند در حالیکه در بررسی همان مطلب برای یافتن هدف و مقصود فقط باید یک دلیل موجود باشد و یافتن این یک دلیل

بسیار ساده تر از یافتن صدها علت است علاوه بر آن نیروی که ما را بسعت جلو میکشاند بسیار قویتر از نیروی گذشته است . اکنون این سؤال پیش میآید که انسان چه هدفهایی دارد . در ابتدا به تشریح هدفهای بزرگ و کلی بشر میپردازیم و سپس به هدفهایی که ممکن است یکی از آنها موجب مشکل روانی یا عکس العمل غیر طبیعی باشد . برای کسانی که به نیروی روحانی یا قدرتی مافوق بشری که بطور کلی آنرا خدا مینامیم اعتقاد دارند هدف کلی و نهایی نزدیکی به خداوند است .

منظور از کلمه هدف آن نیست که انسان حتماً به آن واصل گردد بلکه منظور نشان دادن جهت زندگی است همانند دربانوردی که هدفش رسیدن به ستارگان نیست ولی برای راه خود از جهت ستارگان استفاده مینماید . یکی دیگر از هدفهای اصلی تکامل است . بدون استثناء همه افراد بشر این هدف را دنبال میکنند چه بر آن آگاهی داشته باشند چه نداشته باشند ، چه بخواهند چه نخواهند . منظور از تکامل پیشروی بسوی کمال است نه بمعنی تکامل در علم طبیعی . انسان میخواهد به کمالی برسد که منظور از خلقت اوست . او میخواهد امکانات و استعداد های خود را به بهترین نحو توسعه دهد . برای مثال رشد و تکامل تدریجی کودک در جهت استفاده از اعضای بدن خود مانند راه رفتن حرف زدن و غیره سیری طبیعی است بدون آنکه کودک آگاهانه آنها را انجام دهد . یکی دیگر از هدفهای مثبت که بشر با خود آگاه بسوی آن پیش میروند وابستگی و تعلق است . انسان موجودی اجتماعی است و میخواهد به جایی ، به مکان

امن تعلق داشته باشد و مایل نیست تنها بماند .

در نمودار فوق پس از سه هدف بزرگ و هدف کوچکتر نیز دیده میشود که بطور کلی میتوان آنها را از سائقه های انسان دانست . این دو هدف یکی بقای نسل است که در مرحله حیوانی آنرا اعمال جنسی مینامیم . هدف دیگر بقای جسم است . در بحث هدف بقای جسم اعمالی مانند تغذیه و پرورش جسم قرار میگیرند سمت راست پس از هدفهای بزرگ ، روش زندگی را می بینیم که در بخشهای بعد از آن سخن خواهد رفت . در نمودار فوق این قسمت با هاشور مشخص شده زیرا برخلاف هدفهای دیگر دارای جنبه های منفی نیز میباشد از آنجمله است هدفهای دور فرد که غالباً ناخود آگاه بصورت عقاید ثابتی از زمان کودکی چه در باره قدرت و استعداد های شخصی و چه در باره قدرت و استعداد های دیگران و چه نسبت به زندگی شکل یافته است . روش زندگی عبارت از راههایی است که شخص برای وصول باین هدفهای دور مورد استفاده قرار میدهد از جمله هدفهای فوق است عقایدی مانند " من باید بهترین باشم " یا " من باید اولین باشم " . این عقاید بآن حد که در ظاهر مینظر میرسد مثبت نیستند . شیوه و روش زندگی برای تربیت فردی حائز اهمیت بسیار است .

ارقام ۱ تا ۴ در روی محور افقی هدفهای نزدیکی هستند که رفتار ما را در اجتماع تعیین مینمایند . ما آگاه یا ناخود آگاه یکی از این چهار هدف را در هنگامیکه رفتار ما هماهنگ با اجتماع یا افراد آن نمیشد یا هنگامیکه با مشکل روانی برخورد میکنیم

دنیاال می نمائیم . تشخیص این هدفها کمک بزرگی به تربیت فردی میکند . هدف ما از یک عمل غیرطبیعی یا نادرست میتواند یکی از این چهار باشد :

۱- بهانه و عذر برای کمبودی که داریم ۲- جلب توجه ۳- برتری جوئی ۴- تلافی یا انتقام .

آخرین علامت برروی خط افقی بعنوان نتیجه زکرگرفته که در بخشهای بعدی خواهیم دید که شناسائی نتیجه اعمال کمک بزرگی به یافتن یکی از چهار هدف فوق خواهد کرد .

نیروی انتظار و ایمان

نیروی انتظار و ایمان
باین معنی است که خود را برای واقعه هائی که در پیش است آماده سازیم . بسیاری از افراد در موردی به عدم موفقیت خود اطمینان دارند با به عبارتی منتظر عدم موفقیت خود میباشند و این حالت منفی نیروی انتظار است . حالت مثبت نیروی انتظار همان خوشبینی است انسان خوشبین همیشه منتظر نتایج موفقیت آمیز است و طبق آمار در ۸۵٪ از موارد نیز شاهد وصول به موفقیت خواهد بود زیرا در اثر خوشبینی و انتظار در او نیروئی ایجاد میگردد که کار مورد نظر را به بهترین وجه میتواند انجام دهد . مسلمانان موارد استثنائی نیز پیش خواهد آمد که برخلاف انتظار نقشه ها با موفقیت قرین نمیشود . این موارد همان ۱۵٪ بقیه است . در اینجا فرد خوشبین با خود میاندیشد " مسلمان همیشه امور بر وفق مراد نخواهد بود ولی در اقدام بعدی موفق خواهم شد " و در تلاش بعدی سعی بیشتری خواهد کرد . و اما فرد بدبین همیشه منتظر

عدم موفقیت است و در ۸۵٪ موارد نیز ناموفق خواهد بود چرا ، برای آنکه او از ابتدا فرض را بر این میگیرد که عمل اشتباهی انجام خواهد داد و قادر نخواهد بود از نیروهائی خود بموقع استفاده نماید و عاقبت این فرضیه واقعیت خواهد پیوست زیرا ناخود آگاه امور را اشتباه انجام میدهد و اما بدترین بدبینی در ۱٪ بقیه است که به موفقیت می انجامد در این حالت بدبین چنین استدلال میکند :

" مسلمانان استثنائی در کار بوده که موفق شدند و باین ترتیب بر منفی بافی خود صحنه میگردد .

نیروی انتظار و ایمان در صورتیکه بصورت مثبت از آن استفاده گردد در تربیت فردی نقش موثری خواهد داشت . نیروی انتظار و ایمان را بمعنای عام ، علم نتوانسته رد نماید و بوسیله آزمایشهای اثبات شده است . یکی از آزمایشها بنام (PLACE BAS) معروف است . نام داروهایست که در واقع از آب ، آرد ، رنگ و موادی از این قبیل تهیه گردیده اند و دارای هیچگونه تأثیر داروئی نمیباشند . آزمایش باین ترتیب است : داروهای دروغین را به تعداد زیادی از اطباء میدهند . اطباء با اطلاع از کیفیت این داروها آنها را به بیماران تجویز مینمایند . طبق آمار و مطالعات بدست آمده در سوم بیماران بوسیله این داروها معالجه شده اند . آنها چون منتظر بودند یا به بیانی دیگر (ایما داشتند) که داروها تنها وسیله معالجه ایشان است بهبود یافتند . این آزمایش بطرق مختلفی انجام میگردد . بار دوم این داروها را به عده ای پزشک میدهند و آنکه آنها را از کیفیت دروغین این داروها مطلع نمایند . دکترها با اعتقاد کامل به این داروها

آنها را برای بیماران تجهیز نمایند در این حالت ۹۰٪ از بیماران معالجه میشوند این نتیجه تعجب آورنده لیل اعتقاد بیماران و هم پزشکها به داروهای مزبور است.

ایمان و اعتقاد نیروهای روانی هستند که در وقت از کیفیت آنها اطلاعی در دست نیست اما در وجود آنها نمیتوان شك و تردیدی کرد.

يك روانشناس هندی در گزارش خود مینویسد بد فعات اتفاق افتاده که افرادی در چمبر مارگندگی شده و در نتیجه آن جان سپرده اند. در حالیکه بعداً "مار را پیدا کرد ماند و ثابت شده که بهیچوجه زهری نبوده است. چون هندیها واقفند اکثر مارها در هند زهری اند و نیز مطمئنند که زهر آنها باعث مرگ میگردد، همین موجب هلاکت آنها میشود و بحسبارت دیگر این انتظار در مقابل همین مارهای بی خطر باعث مرگ آنان میگردد.

آگاهی بر نیروی ایمان و انتظار در تربیت فردی میتواند تا حد زیادی موثر واقع گردد با این ترتیب که انتظارات و اعتقادات منفی را میتوانیم تبدیل به انتظارات و معتقدات مثبت نمائیم

انسان موجودی تصمیم گیرنده

انسان در طول روز و در هر لحظه تصمیماتی میگیرد که تعداد کمی از آنها به ضمیر آگاه او مربوط میشود. مانده تنها افکار خود بلکه احساسات و رویاهای خود را همین نمائیم. در نتیجه کلیه افکار، احساسات، رفتار، انتظارها و تمسکات و مطالبهای ما زاده تصمیمات خود ما هستند

ما مسئول کلیه اعمال و رفتار خود هستیم. آگاهی برای مسئولیت باعث چشم پوشی از بسیاری عذرو بهانه ها میگردد. البته قبول این مطلب برای بشر امروز قدری مشکل میباشد ما خواهان آزادی هستیم ولی از مسئولیتهایی که بر عهده ما گذاشته میشود روی گردانیم و سعی داریم که این مسئولیت را به مؤسسات، تشکیلات و غیره واگذاریم در حالیکه باید از نیروی اختیار و آزادی درونی برای قبول مسئولیت استفاده نمائیم. این نیرو نه تنها باعث احساس آزادی و قدرت میشود بلکه ما را یاری میدهد که آگاه تر و روحانی تر شده و بدینوسیله در زندگی شخصی پیروز گردیم و برد یگران نیز اثر مثبت گزارسیم.

تازه ها (بدایع)

بشر به پیشرفتهای تکنیکی و وسائل جدیدی که عرضه میشود علاقمند است زیرا این وسائل در امور روزمره تسهیلاتی ایجاد کرده و از فعالیتهای بدنی و فکری او میکاهد، اما مطالب جدیدی اساسی باین سادگی مورد توجه بشر قرار نمیگیرد زیرا قبول آنها احتیاج به فراگیری، تصدیق و تفکر دارد. فراگیری و آموزش در زمان کودکی و نوجوانی همیشه بصورت اجبار و الزام تلقی میشود بعدیکه بلافاصله پس از اتمام دوران تحصیل اکثر آنها با آن وداع میکنند. منظور از نو بدایع تجدید حیات و دستاویز جدید فکری است. کهنه ها نباید دور شوند تا جایی برای بدایع باز گردد ولی این تغییر و تحول و فراموش کردن دانستنیهای گذشته برای اکثر افراد مشکل جلوه میکند. انسان معمولاً مطالب کهنه و قنچی را که با او آموخته شده به معنای رسمی مشاهده میکند که برای اطمینان و ایمنی آنرا محکم نگه میدارد و در نظر او محکم به تازه ها

و دایع غیر مطمئن و ناامن جلوه میکند . او دنیای
فکری خود را ساخته و در آن احساس آسودگی
میکند و باین جهت از خراب کردن و دوساره
سازی آن بیم دارد . مطالب جدید روحانی
به تفکر جدید احتیاج دارند . اینشتین در این
باره چنین مینویسد " بشر برای بقای خود به
طرز تفکر جدید احتیاج دارد و این ضروری ترین
مسئله زمان ماست " .
ولی هینک سیاهی که به چشمان ماست مانع دیدن

ضروریات جدید میشود و این ترتیب ماسدی جلوه
تکامل و پیشرفت خود ایجاد میکنیم . آنچه که
برای ما قابل اهمیت میباشد اینست که ظهور
بدیع و تعالیم جدید در مقابل ماست بایستد
چشمه‌اربابان نمود و آنرا بدید . حضرت بهاء الله
با ظهور خود نظم بدیعی ایجاد نمود و اساس
تازه ای جهت تکامل روحانی افراد بشر بنیان
نهادد .

● یار زوخ پ

احمد نیکوتژاد (فاضل)

برخواست شام تیره و راه سفر گرفت
آقا قرا سپاه سپید سحر گرفت

شهباز ملک عشق جهان زهر گرفت
ساقی بیباک بار زوخ پرده برگرفت

کار چراغ خلوتیان باز برگرفت

منت خد ابراکه شهبان سیه برگرفت
خورشید سبزد ووه نخشب بچه برگرفت

از سرکله رهای کسانرا کله برگرفت
آن عشوه داد عشق که مفتی زره برگرفت

آن لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت

سلطان غیب آمد وزد خیمه در شه بود باب لقاش بر همه اهل جهان گشود
هر لحظه از سروش بگوش آید این سرود بارغی که خاطر ما خسته کرده بسود

همس دمی خد ابفرستاد و برگرفت

تا مشعل یگانگی امر تو بر فروخت بایک شراره خرمن بیگانگی بسوخت
میهوت و خیره ماند بران هر که پدید وخت هر سرو قد که برمه و خور حسن می فروخت

چون تو درآمدی پی کار دگر گرفت

رده برگرفت ...

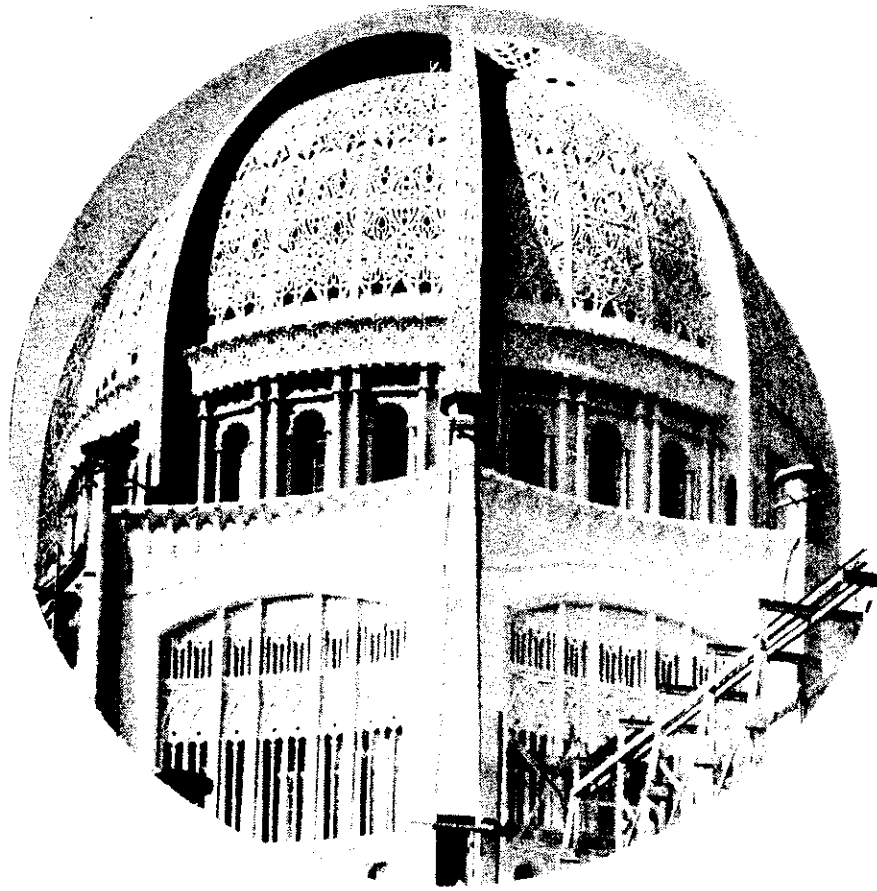
بوم ظهور مظهر کلیه خداست آفاق روشن از رخ تابنده بهاست
بنگر چه شور و غلغله شی در جهان بهاست زین قصه هفت گنبد افلاک پر صد است

کوتاه نظر بین که سخن مختصر گرفت

یار ببحق نزهت پاکان روزگزار از راه لطف حاجت احباب را برآر
فاضل بجز پیراهن بهاگام برمدار حافظ تو این دعا ز که آموختی که یسار

تعویذ کرد شعر ترا و به زر گرفت

مبلغ صامت



● نقل از بهائی نیوز امریکا
● بقلم : بروس ویتمور

زمانی فرارسیده است که بنای خداوند، حرم
المهی، معبد روحانی در آمریکا برپا شود. (ترجمه)
و در لوحی دیگر افزودند: "حقیقتاً امروز اعظم
امور و مهمترین کارها ایجاد مشرق الاذکار و
تأسیس معبدی است که صدای مناجات از آن
بملکوت حضرت پروردگار بلند شود." (ترجمه)

در پی این پاسخ چهار سال بالنسبه بدون
فعالیت سپری شد. امرالله هنوز در دوران
طفولیت بسر میبرد عده پیروان اندک و مؤسسات

تصمیم گرفته شده بود. آنان میخواستند مانند
یاران مشتاق عشق آباد محبت و ایثار خود را در
راه امر مبارک با ساختن مشرق الاذکار بثبوت
رسانند. یازده نفر اعضا* ۳۰ انجمن روحانی
شیکاگو، مؤسسه متقدم محفل روحانی محلی، در
هفتم مارس ۱۹۰۳ عریضه ای بمنظور تحصیل
اجازه شروع این نقشه که هنوز از بازتاب آن در
جهان واقف نبودند بحضور حضرت عبدالبهاء*
تقدیم داشتند.
حضرت عبدالبهاء* پاسخ فرمودند که: اکنون

اداری هنوز ضعیف و ناشناخته بودند و برای هدایت چنین وظیفه خطیری آماده نگینداشتند . مباحثاتی نیز در معنی دقیق بیانات حضرت عبدالبهاء وجود داشت . آنها اشاره حضرت عبدالبهاء به يك مفهوم روحانی بود یابه يك بنای ظاهری ، آنها باید فقط يك معبد بوجود آید یا تعداد زیادی ، و اگر یکی پاشاخته شود آنها باستی آنها در شیکاگو ساخت بادرجائی دیگر ؟

بسیاری از احباء مصر " عقیده داشتند که انتشار آثار در آن موقع دارای اهمیت بیشتری است درحالی که گروهی دیگر تمام هم خویش را معطوف به گسترش نقشه های تبلیغی مینمودند که در ابتدا غالبا فاقد برنامه و نفوذ کافی بود . ظاهرا " بلافاصله بعد از دریافت پاسخ سرکار آقا و صد و راجازه تأسیس مشرق الاذکار علاقه و توجه به این مسأله نقصان یافت ولی در واقع چنین نبود بلکه مقدمات آن به آهستگی شکل میگرفت . برنامه ساختمان مشرق الاذکار بعنوان وسیله ای برای تشکيل و اتحاد جامعه بهائیان آمریکا در نظر گرفته شد .

توجه به بنای مشرق الاذکار را و آخر سال ۱۹۰۶ وقتی کورین ترو یکی از مؤمنین اولیه آمریکا درخواستی از طرف محفل تبلیغی زنان شیکاگو به سراسر کشور برای شروع این مهم فرستاد تجدید شد . این درخواست بوسیله قریب هزار نفر از پیروان اسم اعظم امضا شده بود . " مادرترو " ، چنانکه بعد ها لقب یافت ، اوراق بسیار از این دست نوشته های معمولی را به یکدیگر الحاق نمود و طومار متشکله را هنگام تشریف بحضور حضرت عبدالبهاء عرضه داشت .

او حکایت میکند که چگونه این اوراق را در پشت

خودش روی نیمکت پنهان کرده بود و بسوا " هدایای کوچکی را که احباء فراهم نموده بودند تقدیم کرد . اما سرکار آقا با گام بلندی در طول اطاق پشت سرایشان آمده و آن نامه ها را از او گرفتند و درحالی که آنها را در دست داشتند فرمودند : " این چیز است که مرا بسیار خوشحال میکند (ترجمه) و باز فرمودند : " برو برو و برای مشرق الاذکار اقدام کن این کار بزرگی است خودت را وقف این کار کن ازجائی شروع کن همه چیز درست خواهد شد " (ترجمه) بعد حضرتشان اصول اولیه ای را که میبایست در طرح بنا رعایت شود بیان فرمودند . بنام میبایست ۹ بر ۹ باغچه ۹ فواره ۹ در ۹ معبر و غیره داشته باشد و باین ترتیب تصویری از اولین معبد بهائی در نیویورک نرس تولد یافت .

در الواح بسیاری طی چند سال حضرت عبدالبهاء سعی میفرمودند تا تصورات غلطی را که در جامعه در باره معبد وجود داشت از بین ببرند . میفرمودند این يك نمای ظاهری است ، در ابتدا فقط یکی وجود خواهد داشت ولی بعد ها معابد بسیار ساخته خواهد شد و این اولی بایست در شیکاگو جائی که اول بار فکر تأسیس آن بوجود آمده ساخته شود . همچنین سعی میفرمودند تا ذهن پاران را روشن کنند و این تفصیل را بفهمانند که مشرق الاذکار چقدر مهم است ، بیش از آنچه که نام تصور مینمودند . در لوحی میفرمایند : " فی الحقیقه تأسیس مشرق الاذکار شروع سلطنت الهی بر زمین است . این علم مبینی است که در مرکز قاره وسیع آمریکا با هتزاز درمیآید " (ترجمه) " مشرق الاذکار را عظم تأسیسات عالم انسانی است و تفرع آن بسیار است امروز تأسیس مشرق الاذکار از اهم امور است

این جلوهای از ارتفاع کلمقالله است وقتی مشرق الاذکار و موسسات وابسته اش در جهان تاسیس کرد و غیر از جنبه روحانی و مذهبی تأثیر عظیم بر مدنیّت خواهد داشت (ترجمه) .

● آغاز يك اقدام جهانگیر

قبل از تشکیل مجمع ملل متفق که اولین تلاش بین المللی برای ایجاد يك روشن سیاسی جهت حفظ صلح عالم بشمار میرفت جامعه بهائی بسا شوق و حرارت بسیار برای تأسیس يك سمبل معماری و مظهر اتحاد که بتواند نوع بشر را به قبول موسسات روحانی صلح پایدار هدایت کند فعالیت مینمود . این تلاش عظیم نه فقط از جانب آمریکائیان بلکه تقریباً از طرف تمام جوامع بهائی دنیا حمایت می شد .

تقریباً يك ششم امانات واصله در سالهای اول از کشورهای غیر از ایالات متحد و کانادا رسید این امانات از کشورهای هند ، ایران ، ترکیه ، سوریه ، فلسطین ، روسیه ، مصر ، آلمان ، فرانسه ، انگلستان ، مکزیک ، جزایر هاوایی ، ایرلند ، ایتالیا ، آفریقای جنوبی ، زلاندنو ، بوزنسل ، موریس ، و جزیره پاپوا واصل شد .

زن بیوه ای در شرق که بانانوائی امرار معاش مینمود و بسختی مخارج خویش را تأمین میکرد گوشوارهای را که از زمین کودکی بگوش میآویخت فروخت و پول آنرا به صندوق مشرق الاذکار تقدیم نمود ، بوی گفت " کرم خداوند را به بینید که به همه ما چه چیزی داده است که بتوانیم پیشکش کنیم " . مؤمنین پیونادر هندوستان جواهرات و اشیای قیمتی خود را فروختند و پول آنرا به صندوق مشرق الاذکار

تقدیم داشتند . مغازه دار فقیری که چینی قیمتی برای تبرع نداشت در نهایت اشتیاق زیرانداز را که بر آن می خوابید اهدا نمود تا در این افتخار سهیم شود . يك خاتم مجرد نیوانگگندی که از راه یافتن دستکش زندگی خود را تأمین مینمود نیمی از تمام درآمد خویش را تقدیم نمود .

در ایالات متحده کوششهای بسیار فوری و جمعی برای افزایش موجودی صندوق معبد صورت گرفت . اولین تبرع ۱۰۳ دلاری درآمد حاصله از کنسرتی بود که توسط عدای از احبای شیکاگو در تارینگ ۶ دسامبر ۱۹۰۴ برگزار گردید . اقدامات دیگری نیز در این زمینه انجام گرفت . گروههای مختلف مثل " انجمن سازندگان مشرق الاذکار " بوجود آمد بسیاری از مؤمنین آمریکائی اموال قیمتی خود را اهدا نمودند و حتی خانمی معالجه ضروری دندانپزشک را برای اینکه بتواند چیزی برای تقدیم داشته باشد بتعمیق انداخت . مجمع بهائیان سن کونتین بسیار خوشحال بودند که با چاپ اوراقی از مناجاتها و فروش آن چهیزی برای تقدیم به صندوق معبد فراهم آوردند .

● تکوین نظم بهائی

بنای مشرق الاذکار در حقیقت شالوده وزیرینای نظم بهائی در دوران شکل آن در آمریکا بود . اهتمام در ساختن این بنا موجب همکاری ، نظم ، اتحاد ، اراده و دانش در بین احباب بود که حضرت ولی امرالله را در تأسیس نظم اداری بهائی یاری نمود .

در ماههای اول سال ۱۹۰۲ بعد از مراجعت " مادرترو " از عکا حضرت عبدالبها متناهی

اهمیت شروع ساختمان مشرق الاذکار را به زائران غریب تأکید میفرمودند. اشتیاق و ترقیب آن حضرت مسافرین را به سرور و هیجان میآورد و ایشان در مراجعت به اوطان خویش اهمیت و فوریت این برنادر راه باران دیگرالقا" بنمودند. در آخر تابستان آن سال میزان اشتغال باران محدود بود که انجمن روحانی شیکاگو هموم باران را از اطراف و اکاف برای شروع راین مهم به احتفالی دعوت نمود. این گروه مؤمنین به بیان حضرت ولی محبوب امرالله" علیه السلام قلت نفرات و محدودیت امکاناتشان برای آغاز بزرگتر، مشرومی کماحبابی آمریکای فی الحقیقت احباب غریب تا آن زمان بقتضائی عهدیه دارشده بودند قیام نمودند" (ترجمه) نمایندگان نواحی مختلف در روز شکرگزاری [۲۶] (نوامبر) تشکیل جلسه دادند و کمیتهای برای تعیین محل مشرق الاذکار برگزیدند. این کمیته بعد از دیدن نقاط مختلف با اتفاق آراء تصویب نمود که زمین وسیعی را شامل ۱۴ قطعه در دهکده ویلمت به عنوان محل مشرق الاذکار به انجمن روحانی شیکاگو که اختیار تام در اجرای این نقشه داشت پیشنهاد نماید. این قطعه زمین که در ساحل جنوبی دریاچه می شیگان واقع است در زمان قدیم محل سکونت قبیلای از سرخپوستان پوتاواتومی بود و حتی گفته میشود که یکی از اولین ازدواجهای بین نژادهای مختلف در آمریکا در این نقطه بین آنتوان اوئیلمت اولین سفید پوست ساکن منطقه و آرشانژیک زن پوتاواتومی اتفاق افتاده است.

انجمن روحانی شیکاگو این پیشنهاد را پذیرفت و دو قطعه اول از این چهارده قطعه زمین را خریداری کرد. مادر ترو بلافاصله ضمن عرضه ای بحضور حضرت عبدالبها" پیشنهاد نمود که

جوز ماداری اجرای این نقشه بصراسر ایالات متحد و کانادا گسترش یابد. سرکار آقا موافقت فرمودند. در جون ۱۹۰۸ حضرت عبدالبها" ضمن مکتوبی فرمودند که چنین امری سبب ایجاد یگانگی در جامعه بهائیان آمریکا خواهد شد. ایشان همچنین امر فرمودند که در تشکیلات اداری امریکا خانمها نیز باید سهیم باشند، امرهای کسه نفوذ امرالله را در آمریکا گسترش داد.

دومین کانونشن ملی در ۲۲ و ۲۳ مارس ۱۹۰۹ بوشیله" انجمن روحانی تشکیل شد. ۳۹ شرکت کننده بنمایندگی از ۳۶ مجمع بهائیس طرح یک سازمان دائمی ملی را تحت عنوان "انجمن مشرق الاذکار بهائیس" بررسی کردند و آنرا تصویب نمودند. سپس نظامنامهائی برای انجمن تنظیم کردند و یک هیأت اجرایی متشکله از سه نفر از خانم ها و شش نفر از آقایان برای تعدی اینکار انتخاب نمودند. هرچند اختیارات انجمن در ابتدای کار محدود بود ولی بعنوان اولین مؤسسه اداری ملی در امر که در واقع مبشر محفل روحانی ملی بود شناخته شده. مقارن با همین روزها در حیفا بمسجد از سعادت سال تعویق و خطر بقایای رمن مبارک حضرت رب اعلی در مقام اهدی خویش در کوه کرمل بدست حضرت عبدالبها" مستقر گردید و آنچه جمال قدم دستور فرموده بودند تحقق یافت. "هیأت اجرایی" که در ابتدا فقط در امور مربوط به ساختمان مشرق الاذکار در حالت مینمود بعداً دامنه فعالیتش سرهما" وسعت یافت.

تعداد لجنات نیز به سرعت فزونی گرفت. در سال ۱۹۱۵ بازده لجنه وجود داشت. از میان آنها میتوان لجنه های انتشارات، صندوق مشرق الاذکار

معماری و طرحها، طرق و وسائل و تبلیغ را نسام برد. حتی کمیته‌ای برای تهیه عکسهای متحرك از مراحل پیشرفت ساختمان معبد تشکیل گردیدند. دایره خدمات هیأت اجرائی بتدریج امسور نشریات مستقل نظیر نجم باختر، رثالهیستی، پرومیترو و انجمن انتشارات بهائی شیکاگو را دربر گرفت.

در بحبوحه گسترش درخشان نظم اداری کسار مشرق الا زکار نیز متدرجا پیش میرفت. آنچه گاه بنظر میآمد باعث کندی کار شود تنها الحظاتی از هیجان و تحرك بوجود میآورد.

هیأت اجرائی در پرداخت تعهدات مالی خود در هر مرحله از کار بسیار دقیق بود. وقتی موعد پرداخت خاصی فرارسید تأمین اعتبار لازم ممکن نشد. سه نفر از اعضاء هیئت صندوق مشرق الا زکار بسیار در زحمت افتادند. راه حل ممکن را مراجعه مستقیم به بانک نورثون تراست او اوانستون که امور بازرگانی خود را با آن بانک انجام میدادند دانستند. وقتی به بانک مراجعه کردند متوجه شدند که ملاقات آنها با نماینده مالی بانک ناچار بتعویق افتاده است. در اثنای آنکه در سالن بانک انتظار میکشیدند بتلاوت مناجات "هل من فرج" پرداختند. در این هنگام صندوقدار قسمت امور بین الطلسی بانک متوجه مادر تر و امین صندوق هیأت گردید که در سالن نشسته است، بسمت او رفت و اطلاع داد که هم اکنون حوالهای از جانب حضرت عبدالبهاء بنمایندگی بهائیان ایران برای هیأت رسیده است. از این محل بود که هیأت توانست پرداخت مذکور را بموقع انجام دهد. باری در مدتی کوتاه بعد از صعود حضرت

مولی الوری اولین محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده انتخاب گردید. معلوم است که اگر انجمن مشرق الا زکار با چنان زحماتسی تشکیل نمیشد تأسیس محفل ملی باین زود بهیسا میسر نبود.

● در جستجوی يك طرح

وقتی او امر حضرت عبدالبهاء در مورد اصول اولیه مشرق الا زکار انتشار یافت بسیاری از بهائیان سعی در خلق طرح معماری این بنا نمودند. هیأت تازه تأسیس اجرائی دعوتی عمومی برای ارائه طرحهای معماری در ۱۹۰۹ منتشر نمود. توجه عمومی بانمایش طرحهای استثنائی در مداین هنری، دانشگاهها و گالریهای خصوصی افزایش یافت. نمایشگاهی از نه طرح اولیه که هر کدام سبك خاصی از معماری را ارائه میدادند در موزه ملی مؤسسه اسمیتسونین در شهسرو واشنگتن برپا کردند.

یکی از بهائیان که برای تهیه طرحی شایسته جهت مشرق الا زکار شدیدا فعالیت میکرد معمار فرانسوی کانادائی تحصیل کرده مدرسه هنرهای زیبای پاریس لوئی پورژوا بود. لوئی پورژوا بتشویق روی ویلهم تاجر قهوه که سالها بعنوان خزاندار هیأت اجرائی و بعد ها بعنوان عضو محفل روحانی ملی فعالیت مینمود در تاهستان ۱۹۰۹ وارد این کار شد. او هشت سال متوالی روی طرحهای اولیه مشرق الا زکار کار میکرد اما هیچکدام آنها را اورا راضی نمیساخت. بالاخره در سال ۱۹۱۲ طرح بی نظیری تهیه کرد که سبکهای یونانسی، مصری، رومانسک، گوتیک، عربی و بیزانسی را بالطف و زیبایی ابدی در بر میگرفت. بعد از

هفته ها تلاش بیهوده برای تهیه نقشه ها و محس کرد که نمیتواند طرح ساختمان را وسیله نقشه بنمایش درآورد لذا تصمیم گرفت آنرا بصورت ماکت عرضه کند . سه سال بعد راصرف تهیه ماکت کرد . خانواده او در سالهای جنگ جهانی اول تقریبا " با فقر زندگی میکردند ، تنهاراهی که او برای تهیه پول گچ ماکت سازی داشت فروش گلهای سرخی بود که در حیاط منزلش میرویانند .

اوایل سال ۱۹۲۰ حضرت عبدالهبا " از احببا " خواستند که در کانونشن همانسال طرح معبد را انتخاب کنند . هفت طرح از بهترین طرحهایی که در طی سالها تهیه شده بود توسط هیأت اجرائی به کانونشن ارائه گردید . پاسخی چهل و یک نماینده کانونشن باتفاق آراء ایمن بود ، لوئی بوژوا " معبد نور " . ماکت بوژوا برای نمایش عمومی به نیویورک فرستاده شد . بسیاری از معماران و مهندسن برای دیدن آن آمدند . آقای اچ ، وان ماگونا بجل رئیس انجمن معماران گفت " لوئی بوژوا در معبد نور طرحی در افکنده که در آن اسکلت برخلاف متداول پنهان شده . پایه های قابل رویت تا حد امکان حذف گردیده و پنداری مجموع بناد فضای یک رو " یا صورت پذیرفته است " روزنامه ها و مجلات زیبایی آنرا ستودند . نیویورک تایمز نوشت " آمریکاییها باید در مقابل آن مدت زیادی تأمل و تعمق کنند تا دریابند که چگونه یک هنرمند تصور وحدت ادیان را در این بنا تجسم بخشیده است " کریسچن رجیستر نوشت " طرح معماری این معبد نیز مانند اعتقاد علاقمندان به ساختمان آن شگفت آور است . آنها معتقدند این بنا اهمیت عظیم نوع انسان را در جهان متجلی خواهد نمود . پیام دیانت بهائوسی در

مرحله نخست پیام وحدت است . این دیانت تمام عوامل الهی موجود در ادیان جهان را تصدیق مینماید . " تایمزاند میل چاپ توکیو ژاپن گزارش داد " خلقت جدیدی از زیبایی متعالی در افق جهان معماری طالع شده است . این معبد صحنی است که دروازه های وسیع آن مقدم پیروان همه ادیان را همواره عزیز میدارد در کنار جلوه ی روحانی آن زیبایی مشهور تاج محل رنگ بریده مینماید " .

بعد از چندین هفته ماکت از نیویورک به انستیتو هنری شیکاگو منتقل شد علاقه مردم شهر اخیر بدیدن آن چندان بود که قریب ۳۴۰۰۰ نفر فقط در هفته اول نمایش از آن بازدید کردند . در سالهای بعد نمونه های کوچکتر آن در دهها ایالت و نمایشگاههای ایالتی ، کتابخانه ها ، کتابفروشیها ، کفروشیها و محلهای دیگر و همینطور در نمایشگاههای بین المللی نیویورک و سان فرانسیسکو به تماشا گذارده شد .

ساختمان مشرق الانکار احتمالا " بیش از هر اقدام دیگری توجه عموم را در طول مدتی طولانی به امرالله جلب نموده است . بنای مشرق الانکار همچنین منبع الهام هنرمندان مختلفی بود فاست که بعد ها آثار نقاشی ، مجسمه سازی ، موسیقی و شعرشان را به اعلان پیام دیانت بهائوسی اختصاص دادند .

شعری که زیلا^۱ نقل میشود نه فقط نمونه ای از ستایش های بسیار این معبد است بلکه بخاطر علاقه و عاطفه خاص لوثی بورژوا به سرایند آن جالب توجه است :

● زنگهای معبدی

نیایش کن خدا یزد ر مشرق از کارش
شناگوارا ونقشه های ملکوتیش را
و به معبد برادری او درآ

زنگهای معبد حقیقت مستور
اماندایش آشنا با گوش
زنگهای معبد زیبایی سحرانگیز
پیدا در آیات مبین او
می سراید :

شناگو خدا یزد ونقشه های ملکوتیش را
و به معبد برادری او درآ

زنگهای معبد عشق و یگانگی
از جهانی و برای جهان آواهای شهابانگ میزند
ای آدم

بیدارشو ، برخیز و همنوای فرشتگان
شناگو خدا یزد ونقشه های ملکوتیش را
و به معبد برادری او درآ

زنگهای معبد صلح جاودان
نواهای لطیفش همراه امواج
میخواند بنرمی قلب انسان را
دوست بداریگانگی را

موسیقی است که مادریم ، این ابزار است که صوت
راه بعیدترین فاصله ها میرساند ، که غم ها
و شادمانی های ما را بیان میکند و از آنجائیکه عالم
در پریشانی است منبهم این ناقوس بزرگ را آویختیم .
حالا هم چنین اتفاق افتاد که این معبد از ملکوت
الهی بشکل ناقوس ظاهر شود . این ناقوس عظیم
است که امریکارا ند میکند . آیا آنها خواهند شنید .

لوثی بورژوا که از این شعر عمیقاً لذت برده بود
احساساتش را در این سطور آشکار نمود . در او زده
سال قبل وقتی خانها را ، جایی که طرح و ماکت
مشرق الانکار در آن پیدا آمد ، میساختم باغچه ای
از گل ساختم و این باغچه بشکل یک ناقوس بزرگ
بود . بسیاری از من پرسیدند که چرا باغچه شبیه
ناقوس است بآنها گفتم ناقوس بزرگترین ابزار

نامه بتاريخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۰ با این ملاحظات
تمام میشود :

مقدمات شروع (ساختمان تالار اصلی) را برای
بهار فراهم میکنیم . فردا روز تاریخی در شیکاگو
و نیز در عالم بهائی خواهد بود . در ساعت
یازده صبح مارا بهیائی طولانی راه جانسب
صخرهای که پایه های گنبد بر آن قرار خواهد
گرفت آغاز میکنیم . عده کثیری از بهائیان آنجا
خواهند بود خبرنگاران جراید و غیره

● آغاز

لایه صخرهای گروس پوینت حدود چهل متر
پائین تر از سطح زمین قرار گرفته است . ۹ قاب
چوبی استوانهای هر یک به قطر ۲ متر در زمین
گذاشتند و شن و ماسه پای آن ریختند تا در
جای خود روی سطح لایه استوار گردید . بعد از
استقرار کامل داخل قابهای استوانه ای را با بتون
پر کردند و این بتونها بی بنار تشکیل داد .

در اوایل تابستان ۱۹۲۱ عملیات ساختمانی
با کار تالار اصلی شروع شد . این کار را واخر
پائیز ۱۹۲۲ تکمیل گردید . آن حجم مدور
قیراندوزی که در مرکز اراضی و بلمت مستقر شده
و شصت متر قطرش بود تقریباً هیچ تصویری از بنا ی
فخیمی که باید بتدریج بر فراز آن مرتفع گردد به
پهنده نمیداد . بعد از اتمام ساختمان تالار
اصلی مقدار کمی باغچه سازی در اطراف مزرعه
انجام شد و در طی ماههایی که بسرعت به سالها
بدل میشد اندک پیشرفتهایی حاصل گردید .
در حقیقت امتحانات شدیدی هیکل امرالله را در
این عصر بحرانی رنج میداشت . دست عنصر انسی

در امریکا با صعود حضرت عبدالبهاء در چار
تزلزل شدند و سیرو قایم این ایام بقدری غمانگیز
و متأثرکننده بود که دو بار در سالهای اولیه
ولايت حضرت ولی امرالله بخاطر تالعات جسمی
و تأثرات روحی انزوا و تنهایی اختیار نمودند .

در همین احوال تحقیقاتی برای تعیین مواد اصلی
و روشهای ساختمان مشرق الاذکار شروع شده
بود . وقتی که طرح معبد پذیرفته شد حتی معمار
آن نمیدانست که چگونه باید " ناقوس عظیم "
خوبش را بسازد . مهندسين برجسته معماران
عقیده داشتند که غیر ممکن است بتوان باز به
ساختمان را ضمن حفظ شیوه داخلی طرح به
نگاه داشت . با وجود این مشکلات جستجوی
راه حل و سرسختانه دنبال میشد .

● ارزنده ترین زینت

مطلب اول نخستین شماره بهائی نیوز (دسامبر
۱۹۲۴) به مشرق الاذکار اختصاص یافته بود و طی
نه سال انتشار تنها عکسهایی که در این مجله
چاپ شد عکسهای مربوط به پیشرفت کار
ساختمان مشرق الاذکار بود . مشروع ثانوی
جامعه بهائیان آمریکا که بسیار کار معبد وابسته
و مربوط میشد بزودی توجه عمیق آنان را جلب کرد .
این مشروع مربوط بود به اولین نقشه تبلیغی
که در آمریکا میبایستی اجرا میشد و " نقشه قیام
عمومی برای نشر امر بهائی در ایالت متحده و کانادا "
عنوان یافته بود .

تنهایی از سه هدف اصلی نقشه جنبه مالی
داشت و آن تأمین ۴۰۰۰۰۰ دلار برای ارتفاع
بنای مشرق الاذکار بود .

محفل روحانی ملی در پیام خود نوشت:

" اوج نشه قیام عمومی برای اجرای طرح زیبای معبد پرورژواد ر قلب این قاره در ویلمت است که دلایل آشکار است بر اینکه روح جدیدی در کالبد انسانی در این عصر میدهد شده است."

سه سال بعد وقتی در دسامبر ۱۹۲۸ نقشه پایان یافت هدف تزئین عایدات به انجام نرسیده بود. احباء هنوز از میزان تغییر شده بسیار عقب بودند. موقعیت در ماههای بعد که امریکاد چاربحران بزرگ اقتصادی شد بهبود نیافت تا اینکه در دسامبر ۱۹۲۹ بهائی نیوسوی پیامی از حضرت ولی امرالله منتشر نمود:

" بر اثر شوقی که در برابر آن مقاومت نمی توانستیم کرد لازم دانستیم مقدس ترین و نفیس ترین اشیاء ارض اقدس را با خاطر پیشرفت معبد شریف و خطیری که قلوب شما متوجه انجام آن است ارسال دارم. این زبور ارزشمند که از روضه مبارکه بوده و مبین شورانگیزترین اشواق قلبی من است با کشتی بسوی شما ارسال شده است تا درآمد حاصل از فروش آن بتواند بیکباره همه اعانات یاران امریکار که تاکنون به درگاه حضرت بهاءالله تقدیم نموده اند تمین و تبرک بخشیده و تقویت نماید" (ترجمه) حضرتشان اضافه فرمودند:

" این اکیل تبرهات قالی ایرانی با زیبایی عسدم النظر از ابرایشم خالص است که بشکل باغی از گلهای سرخ با حاشیهای از تارهای تابیده از طلای ناب احاطه شده است" (ترجمه)

قالی را که حضرت ولی امرالله بان اشاره میفرمایند

کمی بعد از جنگ جهانی اول یکی از بهائیان از مشهورترین قالیبافان ایرانی خرید هفته های طولانی در سفر بود تا آنرا بحیفا رساند. سرکار آقا بقدری از این هدیه بشوق آمدند که با دست مبارک آنرا در روضه مبارکه، جایی که تا زمان ارسال آن به امریکا توسط حضرت ولی امرالله، در آنجا بود، قرار دادند. تأثیر این اقدام در احبای امریکا چنان بود که بفاصله فقط چهار ماه بهائی نیوسوی این خبر را منتشر ساخت:

" هزینه ساختمان معبد تکمیل گردید" نزدیک ۳۰۰۰۰ دلار در آن مدت کوتاه جمع آوری شده بود احباء چنانکه حضرت ولی امرالله در تلگرامی دیگر میفرمایند دلیلی برای شادمانی یافتند.

" هدیه درخشان و فداکارانه آمریکائیان با آن نیروی روحانی که علاقه و حیرت عموم را بر می انگیزد بی تردید سبب ارتفاع بنای مشرق الانکار خواهد شد. کار ساختمان مشرق الانکار را مجدداً بنحوشایستهای آغاز نمایند. نیازی به فروش یا بازگرداندن قالی اهدائی نیست. بعنوان زبور بادی اولین مشرق الانکار غرب هدیه شد" (ترجمه)

● "آهت شکوه" قد برمی افرازد

قسمت فوقانی با سرعتی باور نکردنی در کمتر از هفت ماه ساخته شد. بنظر میرسد کارگران اهمیت این برنامه را دریافته اند و استادی خویش را با حرارت و فداکاری و مهارتی بسیار ظاهر میسازند فقط یکبار واقعه ای تأثیر انگیز رخ داد. در ۱۵ ژانویه ۱۹۳۱ آتش سوزی بزرگی اتفاق افتاد. برای خشک کردن بتن از یک دستگاه گرمای استفاده میشد، حرارت این دستگاه بر اثر بسیار

شدید در بیست و یکم چوبی را مشتمل نمود و آتش سوزی بها کرد. این واقعه ناگوار خساراتی به ساختمان وارد کرد که توسط شرکت بیمه جبران شد ولی موجب گردید که با انتشار اخبار و عکسهای مربوط به آتش سوزی در مطبوعات سراسر کشور مشرق الا از کار یکبار دیگر توجه عمومی را بخود جلب نماید.

قسمت فوقانی رسماً در اول می ۱۹۳۱ به پایان رسید. نوزده سال از اول ماه می سالی که خیمه عظیمی در این محل نصب شده و باران ناظر نصب اولین سنگ بنای اولین مشرق الاذکار بدست مولای اهل بها بودند میگذشت. آنروز حضرت عبدالبها از چادر بیرون آمدند با طرف نگریستند و سنگی را که چند ماه قبل بتی توپین و دونفر از دوستانش به محل آورده بودند برگزیدند تا یاد بود ابدی مراسم بنیانگذاری قرار گیرد. حضرت عبدالبها اولین کلنگ بنای مشرق الاذکار را از طرف همه مردم جهان بر زمین زدند. ایشان "سنگی را که سازندگان بنا را رد کرده بودند" در محل خویش مستقر کردند و فرمودند "مشرق الاذکار ساخته شد".

بیمت و دو سال دیگر باید میگذشت تا قسمت فوقانی کاملاً تزئین شود. انواع سلفالهای قرمز و سنگها مصنوعی و نیز فلزات مختلف برای تزئینات بنا مورد بررسی قرار گرفت اما ماده ای که بالاخره استفاده شد ترکیبی از کوارتز خرد شده و سیمان سفید بود که قابلیت کشش لازم را برای اجرای شکلهای پیچ در پیچ و تورمانند طرح را داشت و دوامی بیش از سنگ نشان میداد.

تزئیناتی که از این ماده ساخته شده دارای زیبایی

بی نظیری است. افسون و ریزه کاریهای این تزئینات استادانه بمراتب زیباتر و ظریفتر از آن است که به یک نظریتوان دریافت. عظمت امر حضرت بها^ع الله، جلال حضرت باب، اکمال نبوات انبیا^ع قبل، وحدت جمیع ادیان، بشارت طلوع عصر زمین و حتی انتظار ظهورات آتشی همه در نقشهای برجسته سیمانی شگفت انگیز لویی بوژوا بیان شده اند.

مرحله دشوار ساختن قسمتهای مختلف طبق خطوط اصلی طرح ابدی لویی بوژوا بعبضاً بطولی نزدیک ۴ متری قطعات عظیم گل روی آغاز شد. مجسمه سازها با دقت طرحها را روی گل تراشیدند.

سه مرحله اضافی دیگر قبل از ساخته شدن قالبها بلاستری برای پیاده کردن نقشها لازم بود. این تمهیدات استادانه شکل گرفتن طرحها را آنگونه که مراد شده بود تضمین میکرد. قطعات کوچکتر روی مدل چوبی سوار میشد و سپس در سواره اندازه گیری میکردید تا نهایت دقت رعایت گردد. آنگاه مخلوط سیمان و کوارتز را در قالبها میریختند و بعد از مدتی مراقبت و رسیدگی و ظریف کاریها نهایتاً قسمت کامل شده وسیله قطار راه آهن به ویلمت میرسید. تنها نمای بیرونی گنبد از ۳۸۷ قطعه تشکیل میشود.

حضرت ولی امر الله مد او ما احبا را برای جهدی عظیمتر در اکمال بنای مشرق الاذکار تشویق میفرمودند. ایشان مشتاق بودند که بنای گنبد در موقع افتتاح نمایشگاه قرن پیشرفت در سال ۱۹۳۳ تمام شده باشد تا هزارها سیاحی که به شیکاگو میآمدند بتوانند زیبایی آن را ببینند و وقتی کار تمام شد آنحضرت فرمودند "این بنا

مانند چراغی روشن و نشانی از امید در میان تیرهگی این جهان افسرده قائم خواهد ماند" (ترجمه)

اشتیاق حضرتشان با تمام کار و موعود مقرر از این بهام آشکار میشود :

" امید وارم احبای امریکا که شدیدا در مضيقه هستند به آخرین تمنای قلبی این عهد توجه کنند و به کمترین وقفای در کار ساختمان مشرق الا زکار که از جلوه اقدام عظیمشان خواهد کاست راضی نشوند ، اشتها را مبارک در گرو این اقدام است . مدافعین جسور امرش در امریکا یکبار دیگر از فتوحات امر دفاع خواهند کرد . فرصتی یکساله برای اتمام موفقیت آمیز اولین مرحله تزئین معبد لسور انیمان در اختیار داریم " (ترجمه)

بارد پگران حضرت با بزرگواری قلوب باران امریکا را مشتعل نمودند و وقتی گنبد تمام شد باران امریکا رجا نمودند که منتظر گذشت یکسال نشوند و اجازه مبارک را برای شروع بی وقفه کار نورگیرها خواستار شدند . حضرت ولی امرالله جواب فرمودند :

" قلبا " پیشنهاد شما را میپذیرم فد اکاری بهیشتتر در جهت ادامه تزئینات نورگیر شهری دیگر برتجاج افتخاری که از این پیش روید امید خواهد افزود و اکمال نوایای دیرین را تسریع خواهد نمود " (ترجمه)

و وقتی ساختمان نورگیرها تمام شد حضرت ولی امرالله طی تلگرافی فرمودند :

" از بهروزی تاریخی شمایی نهایت مسرور و عمیقاً سپاسگزارم . با اشتیاق منتظرشواهد نیرومندتری از خدمات عبرت آموز احبای امریکا به امرحضرت بهاءالله هستم " . (ترجمه)

در حقیقت این نوایا با اتمام بنای بیرون سلسله مشرق الا زکار ، هفده ماه قبل از صدمین سال اظهار امر حضرت رب اعلی - تاریخی که حضرت ولی امرالله برای این هدف معین فرموده بودند بکمال قوت و سرعت بمنصه ظهور بروز رسید .

اهمیتی را که حضرت ولی امرالله به ارتفاع ساختمان مشرق الا زکار میدادند میتوان از توقیعی که بمناسبت جشنهای صدساله از کلک مبارکشان صادر گردیده استنباط کرد .

آن حضرت در این توقیع ضمن بررسی جهانی امریهائی طی سالهای ۱۹۴۴ - ۱۸۴۴ چهل و سه واقعه مهم تاریخی را که در قرن اول گسترش امرالله روی داده اند احصاء میکنند که چهار واقعه از این چهل و سه مربوط به ام المعاهد غرب است .

مراسم جشنهای مئوی اظهار امر حضرت بهاءالله موعود اکمال تزئینات داخلی بنا و گشایش آن برای استفاده صوم بود . امه البها روحیه خانم در روز دوم می سال ۱۹۵۳ در حالی که قبسه طلائی مشرق الا زکار در آن بالاها بر فراز سرشان میدرخشید با کمال استبشار اعلام فرمودند :

" بنمایندگی از طرف ولی محبوب امرالله افتخار دارم که اولین مشرق الا زکار غرب را برای عبادت صوم بگشایم من بنمایندگی از طرف حضرت ولی امرالله حضور شمارا در این مکان مقدس خیرمقدم و خوش آمد میگوم " .

● مبلغ صامت

مشرق الا زکار از اولین روزهای فعالیت بسر اقدامات تبلیغی امریکا تأثیر گذاشت اما حضرت

عبدالبهاء میفرمودند وقتی این بنا تکمیل شود "تأثیری عظیم بر مردم نیت خواهد داشت" (ترجمه) و حضرت ولی امرالله میفرمودند "وقتی ساختمان این بنا پایان پذیرد عصر جدیدی در تاریخ امر در این کشور خواهد گشود" (ترجمه) . چنان بود که وقتی جهاد دهساله روحانی در شیکاگو همزمان با گشایش مشرق الانکار اعلام گردید قیام تبلیغی بی سابقه ای شروع شد که تدریجاً بنحوی شایسته بر اعتبار امرالله نه فقط در ایالات متحده بلکه در سراسر جهان افزود . در دوران جهاد کبیر اکبر روحانی تعداد محافل روحانی ملی از ۱۲ به ۵۶ افزایش یافت ، ۱۳۱ کشور جدید فتح شد ، آثار امری به ۲۲۰ زبان تازه ترجمه گردید ، مشارق انکار دیگری در آفریقا ، استرالیا و اروپا ساخته شد . مقام اعلی تکمیل گردید ، بنای دارالاثار بین العلی مرتفع شد ، اولین مؤسسه وابسته به مشرق الانکار تحت عنوان خانه سالندان در ایالات متحده ساخته شد و در پایان این قیام جهانی یعنی بسال ۱۹۶۳ اولین مجمع مخصوصاً از خطابیت العدل اعظم الهی ، انتخاب گردید .

بهمراه ماکه نخستین مرحله مقدماتی حییات بهائی را پشت سر میگذاریم و راه های اساسی تری را بسوی استقرار جوامع الهی بهائی هموار میکنیم ، مشرق الانکار همچنان منادی پیروزیهای عظیم و مبشر آئین نازنین الهی در بین گروههای گسترده و گسترده تر جهانیان خواهد بود . مقصود حقیقی از ایجاد مشارق انکار بهائیتی و مؤسسات وابسته آنها در آینده عیان تر خواهد گردید .

حضرت ولی امرالله در یکی از توقیعات منیمه

خویش درباره اهمیت روحانی مشرق الانکار بکمال قدرت میفرمایند :

"..... بنای اصلی مشرق الانکار که در حوال آن بمرور ایام مؤسسات خدمات اجتماعی مانند دارالایتام و دارالمجزه و دارالمساکین و مسافرخانه و آموزشگاه بیسوادان ساخته خواهد شد ، بایستی مستقل از این مؤسسات وابسته تنها بعنوان محلی که برای عبادت پروردگار طرح و تأسیس گردیده نگریسته شود ." (ترجمه)

بهر تقدیر عبادت با توجه بمفهوم آن در دیانت بهائی نمیتواند تنها عامل یا حتی عامل اصلی ایجاد مشرق الانکار ، آنگونه که حضرت بهاءالله ترسیم فرموده و به نقشی که برای آن در هیکل جامعه بهائی اراده فرموده اند ، باشد د عا هر قدر که مفهوم متعالسی داشته باشد ، هر قدر که از شوقی شدید برخوردار باشد نمیتواند بیش از نتایج محدود و غالباً گذرانی که در اندیشه گذارنده آن بوده است در برداشته باشد حتی نمیتواند بخود مناجات کننده و بطریق اولی به بشریت بسه مفهوم عام نفع و ارضاء پایدار ببخشد ، مگر آنکه به خدمت فعالانه به خلق که امتیاز برجسته مؤسسات وابسته مشرق الانکار است قرین شود و نیز تلاش آنانکه در حوزه مشرق الانکار ساداره امور مشترک جوامع بهائی خواهند پرداخت بشمر نخواهد رسید مگر آنکه دائماً و مستمراً از مجاری روحانی که در مشرق الانکار متمرکز است بگذرد و هیچ عاملی جز مبارزه و ارتباط مستقیم و سریع و داعی قوای معنوی مودعه در قلب مشرق الانکار و نیروی بیدار وجدان کسانی که بعنوان گردانندگان

امر مشرق الاذکار به خدمت عالم انسانی مشغولند
نمی‌توانند تشکیلات ضروری را که قادر به درمان
بیماریهای طولانی و تأثیر انگیز بشریت باشد
برانگیزد و ازین کلیه مؤسساتی که باسماة المقدس
قائم بخد متند هیچکدام نمیتواند همچون مؤسسه
مشرق الاذکار تا این حد اساس خدمت و عبادت
بهائی، این دو امر ضروری در تجدید حیات عالم
انسانی را، پی ریزد. رمز عظمت، قدرت
و مقام یگانه مشرق الاذکار را بعنوان یکی از
مؤسسات برجسته ای که حضرت بهاء الله
پی ریخته اند باید در خود آن جستجو کرد.

حضرت ولی امر الله از مشرق الاذکار ایالات متحده
بعنوان " شریفترین قیامی که خدمات بهائیان
آمریکایه امر حضرت بهاء الله را جاودانی ساخته
است " (ترجمه) و " اکلیل فتوحات نظم اداری
در اولین قرن بهائی " (ترجمه) یاد میکنند
و میفرمایند " نه اولین مشرق الاذکار عالم
بهائی که در مدینه عشق آباد بنا شد و نه هیچیک
از مشارق اذکاری که در مستقبل ایام برپا خواهد
شد نمیتواند نیروی نهائی را نهایت عظیمی را که
وقف بنای ام المعابد غرب در قلب این قاره بی
مثیل شده است واجد باشد " .

نسرین رضوی



مشکل دوری

یکسال در هیئت تحریریه نوجوانان و چندی در لجنه آهنگ بدیع با همکاری داشت. در همین مدت کوتاه هم بیماری و گرفتاری مهلتش نداد تا تمام قابلیت های خود را بروز دهد، اما پسر بود که حساس است و هشیار و صاحب رأی. یکی دوسه مطلب در ردیف شعر آزاد و مصاحبه و غیره نوشت که در نشریه آهنگ بدیع طبع گردید.

ارتقائی و مدارج کمالی ادامه خواهد داد، ولی تصدیق میکنید که دوری برای همه کس مشکل است، پدر، مادر، برادر، خواهر، خویشان، دوستان و همگنان و آنان که مدتی دور یک میزد با او نشسته اند و حالا باید تماشاگر کرسی خالسی او باشند. ●

او میتواند بماند و سرسبزی و طراوت اندیشه خود را حس کند و مای توانستیم شاهد بلوغ و باروری استعدادی باشیم که قامت رعنا پیش زودگاستی گرفت و فرصت نیافت تا در طریق خدمت و عبودیت از امکانات بالا گیرنده خود هر چه بیشتر بهره گیرد. این فرصت برای نسرین در طرکوت الهی باقی است، آنجا که بی حد و مرز به سیر

باید رفت . . .

باید رفت

نسرین رضوی

باید رفت و پیام را با زسانیده به خلق

سخنی هست که باید گفته شود

باید رفت و دانست که سنگ مانعی نیست به راه

باید رفت و دانست که زمان کوتاه است

باید رفت و دانست که چراغی در راه است

آن تاخیر و این داغ صلاح دانستیم شرح بالا را در همین شماره درج نمائیم. آهنگ بدیع

● این شماره مربوط است به پایان دی ماه ۵۳ و صعود نسرین در هشتم اردیبهشت ماه ۵۴، که این نشریه زیر طبع بود، اتفاق افتاد. بخاطر

باید زندگی را و خدا را و بهامش را
زاد راهی کرد و بردوش کشید
کیف دستی را باید پرایمان کرد و بردست گرفت
و بدینسان باید رفت
پاکیزه ، مهربر دل و خندان لب
مست نشاط ، بی دغدغه ، بی تشویش
مردمانی هستند که سالها قبل مرد خداشان
مردمانی هستند که روزگار است خداشان
پوسیده و در خاک شده
باید رفت و خدائی تازه بآنها داد
خدائی زنده و زاینده
مردمانی هستند که خداشان قرنهای پیش بسفر رفته
و هنوز هم چشم براهش هستند
باید رفت و بآنها زندگی تازه عطا کرد
باید رفت و بآنها گفت که خدا با آمده است
باید رفت و پیام را باز رسانید به خلق
سخنی هست که باید گفته شود
باید رفت ، باید رفت



آهنگ بدیع

برای
جوانان
و نوجوانان

فهرست

- | | |
|----|------------------------|
| ۴۶ | ۱- قسمت روحانی |
| ۴۷ | ۲- آئین جوان بهائی |
| ۴۹ | ۳- گفتگویی و لغت نورا |
| ۵۸ | ۴- صبا در اندیشه زندگی |
| ۶۰ | ۵- هر روز |
| ۶۲ | ۶- دل و جان |
- سهراب روشن
آبادی عزیز امیرالله
جناب علی اکبر فروتن
زهرا سبراج
شعر از گورک آقا جانیان
ترجمه م- موسوی
شعر از دکتر جلیل محمودی

پیوسته به کتاب

کتابخانه

موسسه

... از برای نعمت مراتب لانهاییه
بوده و خواهد بود در کتاب پروردگار
تو و پروردگار عالمیان اول نعمتی
که به بیگانه انسانی عنایت شد
خرد بوده و هست و مقصود از او عرفان
حق جل جلاله بوده ...

آثار نظم اعلیٰ جلد ۵ - صفحه ۱۰

آئین جوان بهائی

نوشته : سهراب روشن

آیا بنظر شما اطلاق کلمه جوان با آئین بهائی در روز واقعیت است؟

اگر مراد جنبه تاریخی و قدمت آن باشد مگر نه جوان است ؟
اگر به موسسینش بیا ندمشیم مگر ظهور مشروطیت در جوانی نبود ؟ چنانچه
قدمای امر را در نظر آریم مگر اکثر جوانان دلاور اولیه اش را جوانان تشکیل نمیدادند ؟
اگر به مرکز عهد و پیمانیش توجه کنیم مگر مثل اعلامی آئین بهائی از دوران کودکی و
نوجوانی شریک و سهیم معاصراب بزرگوارش نبود و در صفوف شهاب کشف نقاب
از وجه طلعت میثاق نیر آفاق ننمود ؟

اگر به ولی امرش فکر کنیم مگر در جوانی برانکه ولایت و سلطنت الهی جلوس نفرمود ؟
چنانچه به زمان نزدیک تر بخودمان تأمل کنیم مگر جنود مهاجرین و سربازان نقشه های
منبعه الهی را غالباً "جوانان" تشکیل نمیدهند ؟

و اگر در فلسفه اش فور تعالیم مگر نه جوانی را تلاش در تحقق بخشیدن به آرمان
دانسته اند ؟ وجه آرمانی برتر از وحدت عالم انسانی ؟

با طرح نقشه منبعه پنجساله بیت العدل اعظم الهی فضاهای باز دیگری فراراه
جوانان عزیز فضا گشوده شده ذیلاً قسمتی از پیام دیوان عدل الهی را که
خطاب به جوانان است ملاحظه میکنید :

آنچه باید سرلوحه اقدامات آن عزیزان قرار گیرد قیامی عام و حکیمانه و منظم در تبلیغ امر اعظم است یعنی هر فرد از افراد احبباً هر روز باید در فکر این باشد که چگونه هموطنان خویش را از اصول و مبادی امر نازنین باخبر سازد، باید کسب مراقبت و مواظبت فرمایند تا چگونه این بیان مبارک حضرت هدی البها را به مرحله عمل رسانند قوله الاعلو :

الیهوم باید هر فردی از افراد احببای الهی فکر خویش را حصر در تبلیغ نماید چون چنین کنند بعد از یکسال احتیاج به تبلیغ نماید خود نفوس بدین تبلیغ بشاطی بحر احدیت بشتابند . . .

. باری ای یازان الهی اقلا هر یک از دوستان باید در مدت یکسال یک نفس را تبلیغ نماید اینست عزت ابدی اینست موهبت سرمدی

آیا این بار هم قیامی عام ، حکیمانه و منظم می نمایم ؟

"يا ارض الطاء لا تحزني من شيئي قد جعلك الله مطلع فرح العالمين افرحي بما جعلك الله افق النور بما وله فيك مطلع الظهور اطمئني بفضل ربك انه لا تنقطع عنك لحظتك الا لطف".

و در لوح مبارکی این بیانات راجع بطهران نازل شده :

"يا ارض الطاء يا ارضك اميراه مفرحش بسودى انوارش از درو ديوارت ظاهر و هودا . تا آنكه ميفرمايند : "طهي از برای تو و از برای نفوسيكه در تو ساکنند نجات قبض الهمي از تو قطع نشده و نخواهد شد ."

حضرت مهد البها^ه مولی الوری در الواح حدیده راجع بکشور مقدس ایران بیاناتی فرموده اند که چند فقره آن نقل میشود قوله الاحلی :

"مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری است زیرا موطن جمال مبارک است جمیع اقالم عالم توجه و نظر احترام بایران خواهند نمود و یقین بدانید که چنان ترقی نماید که انظار جمیع اعظم و دانایان عالم حیران ماند هده بشاره کبری بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نها^ه بعد حين ."

"حضرت بها^ه الله و حضرت باب هرد و ایرانی بودند و بیست هزاره سی هزار ایرانی در این سبیل جانفشانی نمودند و من نیز ایرانی هستم حتی با وجود اینکه شصت سال است از ایران خارج شده ام هنوز راضی بآن نگشتم ام که عادات جزئیة ایرانی ترك شود بها^ه ایران را میپرستند نه همین حرف میزنند شما نظر عمل کنید ."

بها^ه انسان چنان ایران را در انظار جلوه داده اند که امروز جم غفیری از اقالم سبحة پرستش ایران مینمایند زیرا شمش حقیقت از آن آفتاب طلوع نموده و وطن مقدس حضرت بها^ه الله است ملاحظه کنید که چه موهبتی حضرت یزدان در حق ایران و ایرانیان فرموده اند " و در آن حد و د و شغور نسبت شجره^ه مبارکه است و موطن حضرت مقصود و ماقبت چنان آباد گردد که جمیع ممالک عالم غبطه برند ."

"ای یاران الهی خطه^ه شیراز منسوب بحضرت بی نیاز و موطن کاشف اسرار اهل رموز از آن کشور ماه منور طلوع نمود و از آن اقلیم صبح منیر سطوع یافت اول ند امر آن خطه و دیسار ارج گرفت و نفوس مبارکه نعره^ه رینا انا سمعنا منادیا^ه بنادی لایمان ان آمنوا بهکم فآمننا برآوردند یقین است که موطن آن نورمبین بهمت دوستان الهی عنقریب تنزین یابد و خطه^ه بهشت برین گردد ."

"ایران چنان ترقی نماید که محسود و مضبوط شرق و غرب گردد ."

در ضمن مناجاتی میفرمایند :

"پاک یزدانا خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و دانش خیز و گوهرریز از خاورش همواره خورشیدت نور افشان و در باخترش ماه تابان نمایان ."

اینها نمونه فی از بیانات حضرت مهد البها^ه مولی الوری راجع بکشور مقدس ایران بود .

حضرت ولی امر الله در تواتح منبیه^ه مکرره درباره رفعت مقام و عظمت شأن کشور مقدس ایران

بیاناتی فرموده اند ، منجمه چنین میفرمایند
قوله الاحلی :

"مگذارد گمان کنند که بهائیان تعلق بوطنی
خوش ندارند بلکه براسستی بدانند و یقین نمایند
که از همه بیشتر و از همه مخلصتر و از همه ثابت تر
در احیای ایران و تعزیز ایرانیان بوسائل حقیقی
میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا
خواهد شد ."

"اهل بهاجه در ایران وجه درخاچ آن موطن
جمال اقدس الهی را پرستش نمایند و در احیای
و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این
سرزمین منافع و راحت بلکه جان و مال خویش
را فدا و ایثار کنند " انتهى

حال از همین چند فقره بیانات مبارکه تعلق اهل
بهابکشور مقدس ایران کاملاً واضح و همان است .

و اما درباره مقام و منزلت زبان فارسی حضرت
بهاالله چنین میفرمایند قوله عزیز کربانه :

"دزبانه زبان نوشته بودید تازی و پارسی هر
دو نیکوست چه که آنچه از زبان خواسته اند
بی بردن بگفتار گهند است و این از هر دو
میاید و امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران
آشکار و همد است هر چه این زبان راستایش
تغافل سازاوار است ."

"محبوب عالم بلسان پارسی تکلم میفرمایند
دوستان اوهم اگر باین لسان تکلم نمایند و
بنهینند لدی الوجه مقبول است اگرچه لسان
عربی احسن است ولکن گفتار پارسی احلی ."

پس تعلقات معنوی و محبت صمیمی اهل بهاب
بکشور مقدس ایران و زبان شیرین پارسی از همین
چند نمونه که بیان شد واضح و همان است و

احتیاج بهسط کلام نیست .

اما نکته فی مهتر از وطن دوستی در تعالیم بهافسی
مندمج و آن عالم دوستی و وحدت بشر است که
اس اساس آئین الهی در این دو پدید و گورجدید
است و در اینصورت جمال مبارک متعلق به همه
اهل عالمند و مهادی روحانی و اداری این اسر
منیع مخصوص بیک ملت درین ملت دیگر نیست
و محصور بیک کشور معین نخواهد بود و یکی از
وسائل موثر و مهم برای وصول باین منظوره
مقدس یعنی تحقق وحدت عالم انسان و اتحاد
اوطان و رفع تعصبات بهبوده و استخلاص بشر
از محاربات هوان کننده ، انتخاب و ترهیح
لسانی صومی است که درین باره تأکیدات آگیده
در آثار الهی نازل شده است .

حضرت بهابالله در یکی از الواح باین بیانات
مبارکه ناطق قوله عزیز بیانه :

"قد نزلنا فی الكتاب الاقدس یا اهل المجالس
فی البلاد ان اختاروا لغة من اللغات لیتکلمها
عن طی الارض و كذلك من الخطوط ان الله یبین
لکم ما ینفعکم و یغنیکم عن دنکم انه لیهوالفعل
العلیم الخبیر ."

این امر مهم از جبروت قدم برای اهل عالم
صوما و اهل مجالس خصوصاً نازل شده چه که
اجرای اوامر و احکام و حدودات منزله در کتاب
برجال بیوت عدلیه الهیه تفهیم شده و این حکم
سبب اعظم است از برای اتحاد و طت کبری است
از برای مخالطه و ودان من فی البلاد
ملاحظه میشود اکثری از امم از تشتت لغات
اهل عالم از مخالطه و معاشرت و کسب معارف
و حکمت یکدیگر محرومند لذا محض فضل و جود
کل مأمور شده اند باینکه لغتی از لغات را اختیار

نمایند چه جدیداً " اختراع کنند و چنان لغات
 موجوده ارض و کل بآن متکلم شوند در اینصورت
 جمیع ارض مدینه واحده ملاحظه میشود زیرا که کل
 از لسان یکدیگر مطلع میشوند و مقصود یکدیگر
 را در آن مینمایند این است سبب ارتقاء عالم
 و ارتقاء امم و اگر نفسی از وطن خود هجرت
 نماید و بهیریک از مدن وارد شود مثل آنستکه
 که در محل خود وارد شده تصکوا به یا اهل
 المجالس والمدن . اگر نفسی فی الجمله تفکر
 کند ادراک مینماید که آنچه از سما مشیت
 الهیه نازل شده محض فضل بوده و خیر آن بکل
 راجع است " یا آنکه میفرمایند :

" هر طایفه بلسان خود تکلم مینماید مثل ترک
 بترکی و اهل ایران بفارسی و عرب بعرسی و اهل
 اریها بالسن مختلفه خود و این السن مختلفه مابین
 احزاب متداول است و مخصوص است بطوائف
 مذکوره و یک لسان دیگر امر شده که اهل عالم
 عموماً بآن تکلم نمایند تا کل از لسان یکدیگر
 مطلع شوند و مراد خود را بیایند اوست باب محبت
 و داد و الفت و اتحاد و اوست ترجمان اعظم و مفتاح
 کفر قدم چه مقدار از نفوس مشاهده شده که تمام
 اوقات را در تعلیم السن مختلفه صرف نموده
 بسواد حیف است که انسان صریحاً که امر اشیا
 عالم است صرف اینگونه امر نماید و مقصود شان
 از این زحمات آنکه لسان مختلفه را بداند تا
 مقصود طوائف و مافرد هم را ادراک نمایند حال
 اگر بآنچه امر شده عامل شوند کل را کفایت مینمایند
 و از این زحمات لا تحصى فارغ میشوند " تا آنکه
 میفرمایند : " و همچنین سوائی خطوط مخصوصه
 طوائف مختلفه یک خط اختیار نمایند و خلق
 صوماً بتحریر آن مشغول شوند تا جمیع خطوط
 خط واحد و جمیع السن لسان واحد مشاهده
 شود و ایند و سبب اتحاد خوب و نفوس اهل

اهل عالم گردد انه يعلمکم ما هو خیر لکم
 تصکوا به انه لهما الواظ الناصح العیون و
 والمدبر المشفق العظیم الحکیم و بالاخره
 جمیع لسان و خطوط بواحد منتهی گردد و قطعاً
 مختلفه ارض یک قطعه مشاهده شود از الاتری
 فیها عوج ولا اماناً . انتهى .

در لوحی دیگر جمال اقدس الهی این موضوع
 یعنی وحدت لسان را باین بیانات تکرار میفرمایند
 قوله الاطی :

" اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است لا زال
 باتفاق آفاق عالم بنور امر منور و سبب اعظم راستن
 خط و گفتار یکدیگر است از قبل در الواح امر
 نمودیم اماناً بیت عدل یک لسان از السن
 موجوده و بیالسانی بدیع و یک خط از خطوط
 اختیار نمایند و در مد ارس عالم اطفال را بآن تعلیم
 دهند تا عالم یکوطن و یک قطعه مشاهده شود .
 در کلمات فرد وصیه میفرمایند " از قبل فرمودیم
 تکلم بد و لسان مقدّم شده و باید جهد شود تا نفسی
 منتهی گردد همچنین خطوط عالم تا هرهای
 مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و
 باطل نگردد و جمیع ارض مدینه واحد
 و قطعه واحد مشاهده شود . "

در تبیین این اصل مسلم که از قلم جمال قدم
 جل شأنه الاعظم نازل شده تبیین منصوص
 حضرت جد الهیها بیانات حدیده فرموده اند که
 چند فقره آن در این مقام نقل میشود قولاً لاجلی:
 " از جمله اوامر حضرت بها الله این است که
 باید جمیع ملت از اهل معارف و طبع اتفاق
 کرده یک لسانی انتخاب یا ایجاد نمایند و آن لسان
 عمومی باشد و این امر در کتاب اقدس چهل سال
 پیش نازل شده و مقصود آن این است مسئله

لسان بسیار مشکل شده زیرا لسان بسیار است و اختلاف حاصل شده بین جمیع اقوام و طوائف و تاوحدت لسان حاصل نگردد اختلاف مشکل و معاملات مختل است. هر انسان محتاج بلسانهای بسیار است تا بتواند با جمیع بشر معامله و معاشرت و ملاقات نماید و این مستحیل است زیرا آنچه تا حال در آکادمی معلوم و مسلم شده هشتصد لسان معین گشته و از برای انسان تحصیل اینهمه ممکن نیست پس بهتر است این است یک لسان ایجاد و یا انتخاب شود تا آنکه لسان عمومی باشد درین صورت انسان بد و لسان محتاج است یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی بلسان وطنی خودش با قوم خود گفتگو نماید اما بلسان عمومی با جمیع عالم مخابره نماید و محتاج لسان ثابت نمیشود و جمیع بشر با یکدیگر بدون مترجم الفست و مصاحبت مینمایند حال اگر چنین چیزی بشود فی الحقیقه سبب راحت و آسایش و سرور جمیع ملل عالم است.

در مقامی دیگر حضرت عبد البها در این باره میفرمایند: "در عالم وجود اعظم از امور امر عمومی است لهذا میتوانیم بگوئیم لسان عمومی امریست مهم زیرا سو تفاهم را از بین ملبس زائل نماید قلوب عموماً بهم ارتباط دهند و سبب شود که هر فردی مطلع بر افکار عمومی شود در عالم انسانی تفهیم و تفهم که اعظم فضائل عالم بشری است مشروط بوحدهت لسان معلّم و متعلّم است چون لسان عمومی حاصل شود تعلیم و تعلم سهیل و آسان گردد مقصد این است که در عالم انسانی وحدت لسان خیلی سبب الفست و اتحاد است و بالعکس اختلاف لسان مایه جدال و این واضح است لهذا از جمله تعالیم بها الله

پنجاه سال پیش امر بوحدهت لسان که تا لسان عمومی تأسیس و ترویج میشود ارتباط تام بین بشر حاصل نگردد زیرا سو تفاهم مانع الفست است و این جز بوحدهت لسان زائل نشود بسبب اختلاف لسان اهل شرق عموماً از معلومات اهل غرب و اهل غرب از معلومات اهل شرق بیخبرند اما بواسطه لسان عمومی شرق افاضه از غرب نماید و غرب اقتباس انوار از شرق تواند انتهی.

و اما آنچه راجع بلسان عربی و اهمیت و وسعت آن زبان برای بیان حقائق معنوی و عوالم روحانی از قلم اطن صادر شده بسیار است منجمله در یکی از الواح مقدسه میفرمایند قوله عز بیانه: " آنچه لدی العرش محبوب است آنست که جمیع بلغات عربی تکلم نمایند چه که ابسط از کل لغات است اگر کسی ببسط و وسعت این لغت فصیحی مطلع شود البته آنرا اختیار نماید لسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این ظهور بلسان عربی و فارسی هردو تکلم نموده و لکن بسط عربی راند داشته و ندارد بلکه جمیع لغات ارض نسبت با واحد و بوده و خواهد بود و این مقام افضلیت است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموماً خلق بآن تکلم کنند هذا ما حکم به الله و هذا ما ینتفع به الناس الوهم یعرفون" انتهی.

بفرموده مبارک مقصود از این تعریف و توصیف مقام افضلیت است و الاجمال قدم اهل عالم را مختار و مخیر فرموده اند که لغتی از لغات را اختیار نمایند و لکن چون بسیاری از آثار مبارکه باین لغت نازل شده تحصیل آن بر اهل بها

واقعا" لازم است تا بمعنی آیات الهی واقف شوند و از آن منبع فیض فیاض برای فهم آیات مقدسه استفاضه نمایند. تحصیل لسان عربی بقدری^{۴۴} حتم و حیاتی است که حضرت عبدالبهاء بیکی از امام^{۴۵} الی^{۴۶} غرب بنام مسیح کرهرچنین دستور میدهند قوله^{۴۷} الی^{۴۸} :

" ای کنیز عزیز خدا یک وقتی تحصیل لسان عربی مینموی این بسیار مفید است البته مداومت^{۴۹} نماید تا آنکه مهارت پیدا کنی و بتوانی که بکمال فصاحت و بلاغت بلسان عربی مخابره نمائی البته صد البته در تحصیل لسان عربی نهایت همت مجری در ارتقا مهارت تامه حاصل نمائی و بکمال سهولت بخوانی و بنویسی ."

حضرت ولی امرالله در تواقیع عدیده تأکیدات شدید را جمع بتعلیم و تعلم لسان عربی صادر فرموده اند که چند فقره آن در این مقام نقل میشود قوله الاحلی :

" تأکید نمائید اطفال بهائی را از صغیر سن در مدرسه بلغت غربی که بفرموده جمال قدم لغت فصیحی است و آیات مبارک و احکام و ادعیه و صلوات و سور علمیه اکثر آن لسان نازل گشته آشنا نمایند و تعلیم دهند اجرش عند الله عظیم است و نتایج آن در جامعه بغایت مفید. همچنین میفرمایند :

" قبلا" راجع باهمیت لغت عربی و تعلیم آن باطفال و تاسی و متابعت لحن الواح مبارک در منشآت امریه و تقریر و تحریر و نشریات یاران امر حضرت رحمن در آسامان دستور صریح صادر و همچنین بواسطه^{۵۰} زائرین تأکید گشت. مسامحه و اهمال قطعیا^{۵۱} جایز نه یاران را محفل ملی روحانی باید تذکر دهد و تشویق و دلالت نماید ."

همچنین میفرمایند :

" تعمیم لغت عربی در مدارس بهائیان و تشویق جوانان بسیار لازم تا بقواعد لغت فصیحی آشنا گردند و بیی بمعانی و رموز و اشارات الواح عربیه و احکام منصوبه الهیه برند" انتهى .

جوانان عزیز بهائی و نونهالان بوستان الهی باید بکمال دقت این دستور مبارک را اجرا نمایند و در تحصیل زبان عربی بکوشند تا درهای معارف امری برویشان باز شود و فهم کلمات آسمانی برایشان میسر گردد و ضمنا" برای مزید تبصیر در این موضع توجه بچند نکته مفید خواهد بود :

نکته اول - آنکه زبان عربی که لسان مقدس عالم اسلام است در نزد مسلمین بسیار مهم تلقی شده و میشود و مسلمانان روی زمین در هر نژاد و ملیت آن زبان را برای فهم آیات مقدسه قرآن فرا گرفته و میگیرند و مؤمنین اولیه باین امر مبارک که اکثرا" از علما" طراز اول بوده بر لسان عربی تسلط کامل داشته اند و آیات الهیه و اشار مبارکه غالبا" بآن زبان نازل شده و لهذا گنجی بی پایان از مخزن اسرار الهیه بزبان عربی بنوع انسان ارزانی یافته که برای بدست آوردن آن باید در تحصیل لسان عربی که بمنزله^{۵۲} کلید در آن گنج بی پایان است اهتمام تام نمود .

نکته دوم - آنکه در تحصیل کلمات معنویه و فرا گرفتن معارف الهیه مناقشه بر سر زبان که آیا عربی بهتر است یا فارسی واقعا" ضرورت ندارد زیرا مقصود اصلی کشف حقائق روحانی و کسب دقائق ملکوتیست و زبان فقط وسیله وصول بمقصود و حصول منظوره است لا غیر .

نکته سوم - آنکه انبیای الهی برای تربیت جسمانی و انسانی و روحانی نفوس بشری ظاهر میشوند و برای هدایت ناس بشریعه باقیه مافوق تصورات محدود و بشریه قرار میگیرند و زبان را فقط وسیله و آلتی برای تفهیم و تفهیم حقائق روحانیه میشناسند و بهیچوجه احساسات ملی و نژادی را در آن مدخلیت نمیدهند چنانکه در قرآن کریم بیش از سیصد لغت غیر عربی مانند کافور - زنجبیل - مشکوة - استبرق - سندس - دینار - قسطاس - فردوس - طاغوت - قنطار - عدن - ملکوت - مسك - اباریق و غیره و غیره که از زبان های عبری و آرامی و امثال آن اقتباس گشته وارد شده و مجموعه بیانات شفاهی حضرت مسیح که بعد از هابه انجیل موسوم گردیده ابتدا از زبان یونانی که لسان علمی آنروز دنیای متعین بوده نگارش یافته است .

نکته چهارم - آنکه هیچیک از زبانهای رایج دنیا خالص نمانده و هر قدر ارتباط ملل و نحل باید یکدیگر بیشتر شده اختلاط و امتزاج السنه نیز بهمان مقیاس وسیعتر گردیده است و این خود حسن و کمال هر زبانست که برای بیان مطالب لغات کافی در اختیار داشته باشد و شعرا و حکما و علما همیشه از این امتزاج و اقتباس استفاده نموده اند و چنانکه مثلا در شاهنامه فردوسی که شکارهنگار زبان فارسی است پیش از پانصد لغت عربی در موارد ضروری بکار رفته و نایفه شهیر از این اقتباس و استقرار سرباز نژده است . زبان کنونی فارسی مانع از مرکب از یکصد و شصت هزار کلمه است پنجاه و هشت هزار و هشتصد و هفتاد و نه آن فارسی و یکصد و یک هزار و یکصد و بیست و یک لغت آن خارجی است و این امتزاج و اختلاط کمال زبان است

نه نقص آن زیرا همانطور که جمال مبارک میفرمایند مقصود از زبان پس بردن بگفتار گوینده است و هر قدر بتوان در یکزبانی موجبات تفهیم و تفهیم را کاملتر فراهم نمود البته بهتر است .

نکته پنجم - آنکه لسان عربی باتفاق زبان شناسان همانطور که از قلم اعلی نیز تصریح گشته نظر بوسعت دائره لغات برای بیان روحانیات و مجردات مناسبتر و کاملتر است و بهمین دلیل بسیاری از متفکران و دانشمندان فارسی زبان نیز تألیفات خویش را بزبان عربی تدوین میکرده اند و در مغرب زمین زبان لاتین که شعبه ثی از زبانهای هند و اروپاییست این مقام را داشته و الحال نیز ریشه اغلب از السنه اروپائی لاطین و یایونانی است و بهمین جهت تشابه تام بین این زبانها میان آمده است اکنون زبان عربی علاوه بر ساکنین شبه جزیره عربستان لسان اصلی بیش از پنجاه میلیون نفر در معالک مختلف جهان است و بتصدیق محققین یکی از مهمترین زبانهای دنیاست و لهذا تحصیل زبان عربی نه تنها برای فهم معارف بهائی لازم و ضرور است بلکه احاطه بر آثار ادبی زبان فارسی نیز موکول به آشنائی با لغات و اصطلاحات و صرف و نحو زبان عربیست پس بنابآنچه گفته شد اهتمام نورسیدگان و جوانان عزیز بهائی بتحصیل زبان عربی بسیار مفید و لازم است و همانطور که فی المثل زبان اصیل فارسی و السنه عربی مانند انگلیسی فرانسه آلمانی و غیره را فرامیگیرند ، زبان عربی را نیز در همان ردیف بل در رتبه اولی قرار دهند .

برای تزیین و تکمیل این گفتار چند فقره از بیانات حضرت بهاء الله بزبان عربی و فارسی و پارسی

هیزه نوبن مقام درج میشود لیکن ختامه مسك
از لوح مبارك جمال اقدس ابهی خطاب
بسلطان ایران :

"یا سلطان انی كنت كأحد من العباد وراقدا
على المهاد مرت طی نسائم السبحان وطمعی طم
ماکان لیس هذا من عندی بل من لدن عنی
علیم و امرنی بالنداء بین الارض و السماء
بهذاك ورد علی ما ذرقت به صیون العارفین
ما قرئت ما عند الناس من العلوم و ما دخلت
المدارس فاسئل المدینه التي كنت فیها
لتوقن بأنی لست من الكاذبین هذا هو محركها
ارباح مشیه ريك العزیز الحمید هل لها استقرار
عند هیوب ارباح عاصفات لا و مالك الا سماء
والصفات بل تحركها کیف تريد لیس للعدم وجود
للقاء القدم قد جاء امره المبرم و انطقنی بذکره
بین العالمین . انی لم اكن الا کالمیت تلقا امره
قلبتنی بداراة ريك الرحمن الرحیم هل بقدر
احد ان یتکلم من تلقاء نفسه بما یعترض قلبه
العباد من کل وضع و شریف لا و الذی طم القلم
اسرار القدم الامن کان مؤیداً من لدن مقتدر
قدیر ."

از لوح مبارك خطاب به مانگی صاحب :

"نامه شهادت زندان باین زندانی روزگار رسید
خوشی آورد و برد وستی افزود و یاد روزگار پیشین
راتازه نمود سپاس دارای جهانرا که دیدار در
خاک تازی روزی نمود دیدیم و گفتم و شنیدیم
امید چنان است که آن دیدار فراموشی از پی
در نیاید و گردش روزگار یاد او از لای نبرد و از
آنچه گفته شد گیاه دوستی برود و در انجمن

روزگار سبز و خرم و پاینده بماند . اینکسه از
نامه های آسمانی پرسش رفته بود رگ جهان
در دست پزشکی داناست در درامی بنیند و دانای
درمان میکند هر روز را رازی است و هر سر را آوازی
در دلمروز را درمانی و فردا درمان دیگر
امروز را نگران باشید و سخن از امروز انبند
دیده میشود گیتی را در دهای بیکران فرا گرفته
و او را بریستر ناگامی انداخته مردمانیکه انباده
خود بینی سر مست شده اند پزشکی دانارا از او
باز داشته اند این است که خود و همه مردمان
را گرفتار نموده اند نه در دمی اندند نه در زمان
میشناسند راست را کز انگاشته اند و دست را
دشمن شمرده اند بشنود آواز این زندانی را
بایستید و بگوئید شاید آنان که در خوابند بنیدار
شوند بگو ای مردگان دست بخشش بزدانی
آب زندگانی میدهد بشتابید و بنوشید هر که
امروز زنده شد هرگز نمیرد و هر که امروز میرد
هرگز زندگی نیابد .

ای دوست چون گفتار نخستین در روز پسین
بعیان آمد گروهی از مردمان آسمانی آواز شنیدند
شنیدند و بآن گریه کردند و گروهی چون کرد ابرخی
را با گفتار یکی ندیدند از پرتو آفتاب دانای
دور ماندند .

از کلمات مبارکه مکتونه فارسی :

"زینهارای پسر خاك با اشرا لنت مگیر و مو انست
مجو که مجالست اشرا نور جان را بنار حسابان
تهدیل نماید ای پسر کنیز من اگر فیض روح القدس
طلبی با انرار مصاحب شو زیرا که ابزار جسام
باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند و قلب
مردگان را چون صبح صادق زنده و منیر و روشن
نمایند ."

ای خافلان گمان مبرید که اسرار قلوب مستور است بلکه بیقین بدانید که بخط جلی مسطور گشته و در پیشگاه حضور مشهور .

ای دوستان بر راستی میگویم که جمیع آنچه در قلوب مستور نموده اید نزد ما چون روز واضح و ظاهر و هود است و لکن ستر آن را جود و فضل ماست نه استحقاق شما

ای پسرانسان شنیدی از ژرف دریای رحمت خود بر عالیمان میزول داشتی و احدی را مقبل نیافتی زیرا که کل از خمر باقی لطیف توحید بماند کثیف نبید اقبال نموده اند و از کاس جلال باقی بجام فانی قانع شده اند قلمس ماهم یقنعون .

ای پسر خاک از خمر بهیثال محبوب لایزال چشم مهوش و بخرم کدره فانی چشم مگشا از دست ساقی احدیه کاس باقیه برگیر تا همه هوش شوی و از سروش غیب معنوی شنوی .
انتهی .

امید و طید چنان است که جوانان عزیز بهائی در کشور مقدس ایران به محتویات این مقاله که مزین به بیانات مقدسه و دستوره های موکد مبارک مولای توانا حضرت ولی امر الله ارواحنا لترتبه الفدا است توجه تام بنمایند و این نکته مهمه را همواره در مد نظر قرار دهند که آئین نازنین بهائی برای وحدت اهل عالم و اتحاد ملل و امم ظاهر شده و بنرموده جمال قدم جل اسمه الاعظم که در کتاب عهدی نازل شده قوله الاطی .

مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلاها و انزال آیات و اظهار بیانات احماد ناراضیه

و بغض بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و با سایش حقیقی فایز .
انتهی

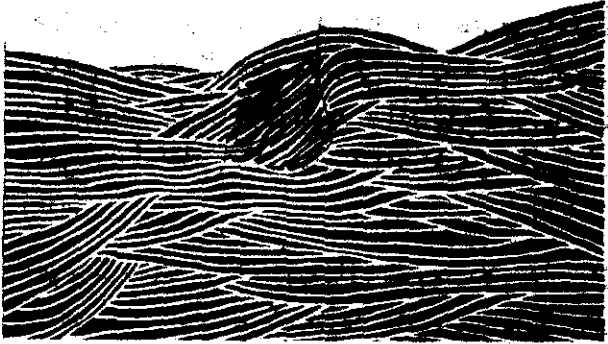
منظور اصلی مظاهر مقدسه تربیت نفوس بشری و رفع تعصبات بییه بوده است و لهد ابرای وصول بچنین مقام بلند اهل بها و را کبیر سفینه حمر باید از دایره حدودات بشریه قدم فراتر نهند و افق فکرا وسعت کامله بخشند و زبان را فقط وسیله برای هدایت اهل عالم شناسند و این بیان مبارک جمال اقدس ابهی را همواره در مد نظر قرار دهند که میفرمایند قوله الاطی :

اگر از لغات مختلفه عالم عرف ثنای تو متضوع شود همه محبوب جان و مقصود روان چه سازی و چه فارسی ، اگر از آن محروم ماند قابل ذکر نه چه الفاظ چه معانی .

علی اکبر فروتن
ارض اقدس حیف
شهرالشرف (۱۳۱)



صبا در اندیشه زندگی



● زهره سراج

نمیکرد . راستش خود من هم بمعنای زندگی زیاد اندیشیده بودم ولی نتیجه جز صد ها سوال افزون پرسش اول چیزی نبود . باگریز از جواب پرسیدم : خوب ، بگو ببینم صبا چون خود تو فکر میکنی زندگی یعنی چی ؟ باسادگی جواب داد : " زندگی یعنی اینکه زنده باشیم بعد با شتاب اضافه کرد : " ما گاهی وقتا زنده ایم گاهی وقتا هم زنده نیستیم . " لبریز از سوال بود ولی ترجیح دادم که راحت حرفهایش را بزنم چون بنظر میآمد که بیشتر مایل به حرف زدن است تا شنیدن . فقط گفتم : " خوب مثلاً امروز

د پروز عصر با خواهر کوچکم به گردش و هوا خوری بیرون رفتیم . شور را حقیقتاً در وجودش میدیدم و شادیش که از برق چشمها ، خنده های کود کانه و از هرسود و پد نهایش هو پدا بود ، مرا غرق مسرت میکرد . مقداری که راه رفتیم ، به نیمکتی چوبی رسیدیم . هردو نشستیم و مدتی بدون کلام غروب را که کم کم از راه میرسد تماشا کردیم . بعد از سکوتی نه چندان طولانی ، ناگهان خواهر کم رو بمن کرده گفت : " زهره زندگی چیه ؟ " خیلی جاخوردم کم سالیش و روح آزاد و بی آلایشش ، چنین سوالی را هیچاب

تو زنده بودی؟" غروب داشت دلتنگ کننده
میشد ولی نسیم خنک پائیز با این دلتنگی
سرستیز داشت.

خواهر کوچولویم جواب داد: "نه." پرسیدم:
"چرا؟" گفت: "چون امروز بال قناریم زخمی
شده بود و من دایم پای قفس نشسته بودم. اول
پاشو شستم بعد برایش باند پیچیدم و بعد هم
آب و دونه تازه برایش بردم، ولی اون اصلاً
حالش بد بود، چون فقط یکجانشسته بود، نشسته
میخوند و نه بال میزد. منم پیشش نشستم و
و بدون اینکه کارد بگهای بکنم اونو نگاه میکردم
واسه همین فکر میکنم امروز اصلاً "زندگی نکرده ام."

بخود آمدم، شب میآمد. دست خواهرکم را
گرفتم و باهم رو به خانه مان براه افتادیم
میدانستم که او از من جوابی برای سئوالش
نشنیده ولی نمیدانست که خود بمن پاسخها
داده است.

تا وقت خواب در فکر بودم. ماکه مدعی زندگی
کردن هستیم آیا واقعاً "زندگی" میکنیم؟ آیا
عمرمان جز آن لحظه ها که در ایثار سپری میشود،
بشمار زندگی میآید؟ لحظه هایی که از درد
دیگران دل بدرد نیاوریم و مرهم زخمی نباشیم
لحظاتی است که بیاطل گذرانده ایم.

بتنهائی و برای نفس خود زیستن هیچ مفهومی
ندارد. ما برگری از شاخسار عالمیم و باری از
دار انسانی. چگونه میتوان با اینهمه نزدیکی

از هم دور بود؟

آن رمی که به تحمل بلا در طریق محبوب و به
ایثار کامل در راه بندگانش بسرآید، دم زندگی
ساز است.

خواهرم که در قالب کلام زندگی را نفس کشیدن
می پندارد، در لباس عمل و بواقع زندگی میکشد.
او بدر دیک پرنده، کوچک واقف است و هستی را
را، در لحظاتی که نگران هستی موجودی دیگر
است، از یاد میبرد.

ماه بیالای آسمان رسیده بود. شب بود و
سکوت و من ندای درون را آشکارا شنیدم: "تو
که احساس داری و ادراک، بحق زندگی کن
درد را بجان بخور درمانی باش برای آن کسه
تحمل بلاندارد تو که قادری، در راه آن کسه
میخواهد و نمیتواند، ایثار کن."

خانه در سکوت فرورفته بود. بلند شدم با طاق
صبارفتم. آسوده خوابیده بود. نسیم خنک
پائیز در دانه داخل میشد. خم شدم
بوسیدمش، آهسته گفتم: "صباحون خوش
بخواب چون تو امروز زندگی کردی. ایکاش
هر روز دلیلی برای زندگی کردن بیایی. پنجره
را بستم. باطاق خود آمدم.

صبا و من هردو آسوده بودیم.
صبا آنسوی پنجره نیز دیگر آرام گرفته بود.

هر روز

من هر روز
چونان زنبوران عسل

از بام تاشام می ستیزم

از سرما میلرزم

از گرما می سوزم

هر روز از بام تاشام

گل

برگ

درخت

چمن

دشت و دمن ، آشیان هست

از کند و ،

دست از پادرازتر

بیرون میایم

بکنند و باز میگردم

با قطره انگبینی

که از گل و ریحان

دیارمان مکیده ام .

باز میگردم .

با چشمانم رنگ گلها ،

با دمم عطر گلها ،

برگوشهایم زمزمه زنجیره ها - زمزمه چشمه سارها ،

با خونم گرمای سرخ خورشید

با زانوانم نهروی خسان

● اثر گوگ آقا جانیان

● ترجمه . م - موسوی

بخانه باز میگردد .

هر روز من ،

محبت چشماتم را

باسخاوت بر انسانهای بخشم

هر روز من

گرمای قلبم را

باسخاوت بر انسانهای بخشم

هر روز من ،

سپهری میبخشم

از تبسم خویش - از لبخند خویش .

هر روز من

برسینههای ستبر

گلی نثار میکنم .

از انبوه نغمه های سرود خویش

- هر باداد -

انبان فضای خویش را

بردوش افکنده -

- از خانه بیرون صدم

و هر شام

بانوی که برای کودکانم برچیده ام ،

بخانه باز میگردد

هر باداد ...

هر شامگاه ...



دل و جان ...

اگر مهربی خواهی

مهربی بدار

و اگر دلی خواهی

دلی بیار

کجا هر مهربی مهربانگیرد

و که دل به بی دل دهد

اگر گرمی خواهی

آتشی بسوز

و اگر روشنائی

چراغی برافروز

جان بی دل مرده است

و دل بی جان افسرده .

اگر همه دلی جانی بیاب

و اگر جانی دلی بجوی

و آنها را بیامیز

و بیای عزیزان پاکباز ریز

تا جانانت جاودان گردد

و دلت چون خورشید تابان

● از نوای همخوانی — دکتر جنیل محمودی